



نقطه ویرگول

# نقطه ویرگول

فصلنامه فرهنگی، اجتماعی، ادبی - شماره دوم / زمستان ۹۹

دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

سرمقاله

انتظار دارم که برنجم

تلاطم رهایی

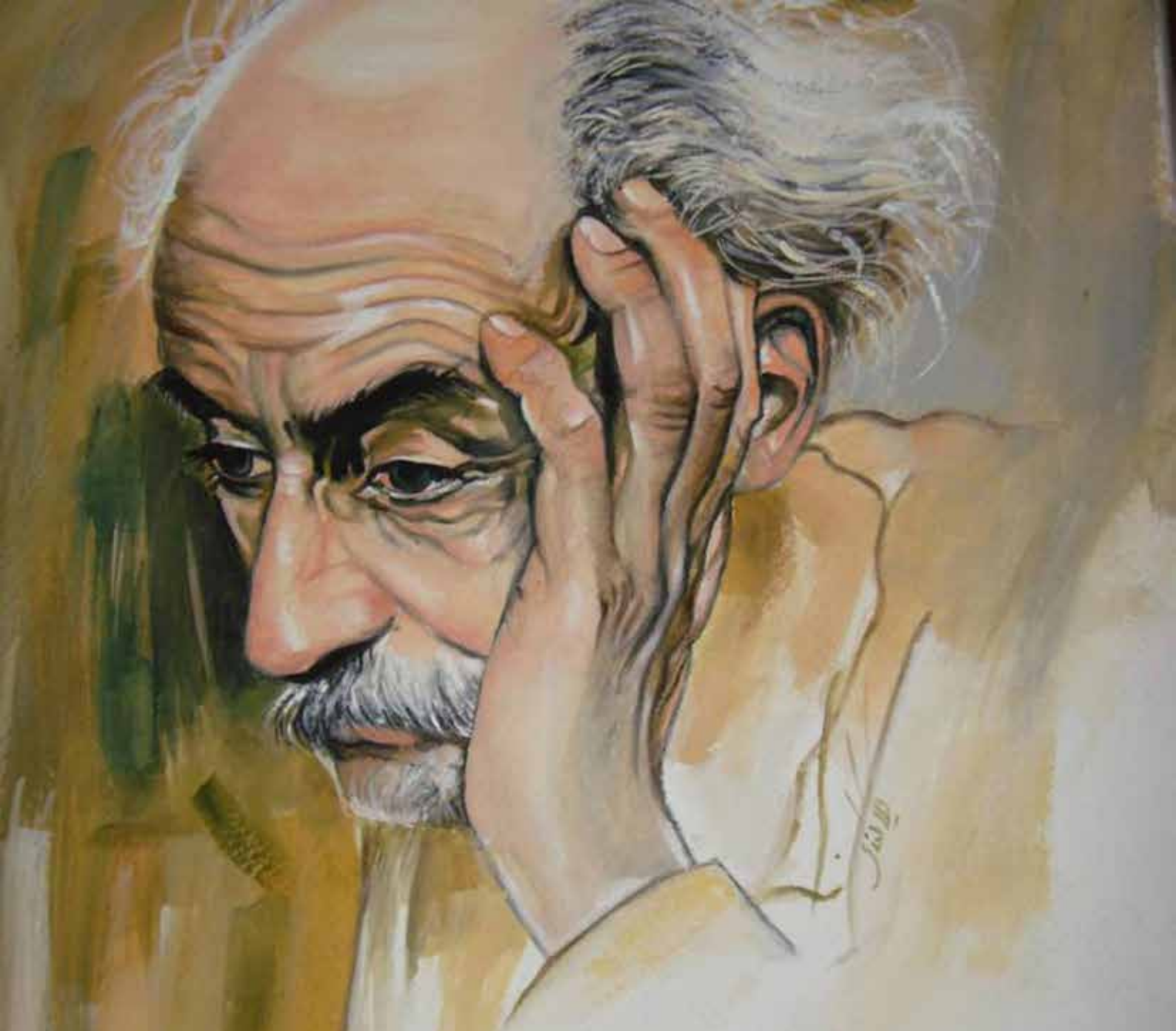
بررسی پرونده قتل رومینا اشرفی:  
خوناموس / قتل های ناموسی  
در ایران در حال افزایش است.

تأثیرات ماهواره غربی بر  
سبک زندگی اجتماعی

سال ها است به بیماری  
بدتر از کرونا مبتلاییم



خوناموس



آی آدم ها  
او ز راه دور این کهنه جهان را باز می پاید  
می زند فریاد و امید کمک دارد  
آی آدم ها که روی ساحل آرام ، در کار تماشا کنید !  
موج می گوید به روی ساحل خاموش  
پخش می گردد چنان مستی به جای افتاده ، بس مدهوش  
می رود نعره زنان . وین بانگ باز از دور می آید :  
آی آدم ها ..  
و صدای باد هر دم دلگراتر  
در صدای باد بانگ او رساتر  
از میان آب های دوری و نزدیک  
باز در گوش این نداها  
آی آدم ها ...



**صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشجویی حقوق**

**مدیر مسئول: فاطمه سادات میر معصومی**

**سر دبیر: امیر حسین عابدینی**

**مدیر داخلی: آرش قربانپور**

**هیأت تحریریه: فاطمه سادات میر معصومی، ستاره  
گودرزی، ملیکا قرمزی، امیر محمدناظم الرعایا**

**طراح و صفحه آرا: حسین نقدی**

**باسپاس فراوان از: جناب آقای دکتر فریدنعمی  
حجت الاسلام سید محمد موسوی  
جناب آقای دکتر محمد جواد عبداللهی**



گفتارها و نوشتارهای منتشر شده در قالب این نشریه الزاماً بیانگر دیدگاه های  
مدیرمسئول و صاحب امتیاز فصلنامه نقطه ویرگول نمی باشد.

**ارتباط با ما**



**@semicolon\_nashr**

کانال تلگرام



**@semicolon\_nashr**

صفحه اینستاگرام



**semicolonnashr@yahoo.com**

ایمیل

دفتر نشریه : اصفهان خمینی شهر دانشگاه آزادخمینی شهر دانشکده حقوق و اقتصاد طبقه زیرین

در نسخه الکترونیک با کلیک بر روی لینک ها به صفحات مجازی وارد شوید

# فهرست

۳

سرمقاله

۴

انتظار دارم که برنجم

۷

خوناموس

۱۱

تأثیرات ماهواره غربی بر سبک زندگی اجتماعی

۱۸

سال‌ها است به بیماری بدتر از کرونا مبتلایم

۲۸

دکلمه‌های خانم سبین (تلاطم‌دهایی)

# سرمقاله



بشر در طول حیات خود با چالش‌های مختلفی مواجه بوده است؛ چالش‌هایی که ریشه در باورهای غلط فرهنگی، اجتماعی و... داشته و در هر برهه از زمان زندگی‌هایی را قربانی ساخته‌اند. اما از دل همین فراز و نشیب‌ها و صخره‌های به ظاهر شکست ناپذیر از تیرگی، همواره در لحظه‌ای نوری تابیده و جوانه‌ای سربرآورده تا چراغ امید را زنده نگاه دارد.

«کودک همسری» میراث تیره‌ای است از همین جنس که هر روز صدای مهیبش ما را هشیارتر می‌کند تا کاری کنیم. تغییر «نقش کودک» از کودکی به همسری وارد دنیایی می‌کند که نه به لحاظ جسمانی و نه روحی و روانی آماده پذیرش و تحمل آن نیست، اما بی آنکه لحظه‌ای اتفاق بی‌افتد گویی که او بی‌اختیار در سرنوشت خویش دخیل باشد، کودکی‌اش به تاراج باورهای غلط می‌رود.

داغ آن جایی است که تسلاي خاطر کسانی که کودکان را در این ورطه سهمگین می‌اندازند، واژگانی همچون «ناموس پرستی» و «غیرتمندی» است؛ واژگانی که اصالتشان یادآور پهلوانی و از خودگذشتگی برای نجات دیگری و رهایی از ستم است، به پوششی برای جهل و دیگر آزاری بدل گشته است. امیدهایی که می‌توانستند برگه‌ای از تاریخ باشند، در سایه شوم جاهلیت رهسپار خزان شده‌اند؛ اما در این میان رویش ناگزیر جوانه‌ها می‌تواند کمی خاطرمان را تسلی دهد.

اما ما به شقایق شعرسهراب دل می‌بندیم  
و برای زندگی بخشیدن آستین بالا  
می‌زنیم و در این نوشتار می‌کوشیم  
قدری انعکاس این درد باشیم...



ستاره گودرزی  
دانشجوی کارشناسی حقوق

# انتظار داریم که برنجم!

اطرافمان هستیم فارغ از نگاه کردن به  
آینه‌ی درونمان و میزان مسئولیت‌مان در  
رخدادهای زندگی...

در تئوری انتخاب چرایی و چگونگی رفتار  
آدم‌ها و شیوه‌ی کارکرد مغز را برای صدور  
رفتار مشخص می‌کند و بیان دارد که  
رفتارهای خودمان را براساس نیاز درونی  
تعیین می‌کنیم پس... پس... پس ... این

کمی تأمل به ابهام تیر، قرار است پروازی  
باشد میان مبدأ نظریه تئوری انتخاب و  
مقصد انتظارهایمان از محیط اطراف همراه  
با تعهد اجتماعی.

در مسیر اوج و فرود تفهیم موضوع ممنون  
می‌شوم کمربندهای خود را ببندید، پرواز  
فکری خوبی را برایتان آرزومندم.

تئوری انتخاب چیست؟

این نظریه از ویلیام گلسراست که بیان  
دارد رفتارهای انسان به صورت هدفمند  
در جهت برآوردن نیازهای اساسی‌اش  
است.

در واقع بیان دارد که ما مسئول انتخاب  
رفتارهایمان هستیم؛ که البته این  
نظریه (روانشناسی کنترل درونی) در  
مقابل روانشناسی کنترل بیرونی مطرح  
است.

در اینجا ما نباید به صورت مطلق به  
نظریه تئوری انتخاب که به کنترل  
درونی اشاره دارد، بنگریم؛ چراکه  
بروز رفتارهایمان علاوه بر عوامل درونی  
، محرک‌های بیرونی نیز می‌تواند نقش  
داشته باشد.

اما ما در این بخش سعی داریم  
به بعد درونی بروز رفتار و پذیرش  
مسئولیت‌هایمان پردازیم؛ چرا که در  
جامعه‌ی این روزها خیلی پیش می‌آید  
که به دنبال مقصر خطاب کردن



و با آگاهی بیشتر از طبیعت درونی انسان به اتخاذ تصمیم‌های مناسب‌تر پس از یک گزینش نامناسب پردازیم . در نتیجه می‌توان یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی در جامعه را توجه به مسئولیت پذیری و تعهد اجتماعی دانست.

حال دیگر فکر می‌کنم نکته‌ی اوج را گذرانیدیم و وارد مجموعه‌ی کوتاه فرود می‌شویم .

تیترا انتظار دارم که برنجم را برای همین برگزیدم اینک چون به شخصی نیکی کرده‌ایم انتظار داریم خوبی را از همان شخص پس بگیریم ؛ گویی یک بده بستان فکری را داریم و تا آن را پس نگیریم نمی‌گذریم ، و وقتی انتظار باز خورد مناسب برآورده نشد می‌رنجیم .

در حالی که ما بخش زیادی از رفتارهایی که برای کمک و پیشرفت دیگران بروز می‌دهیم می‌تواند در رفع نیازهای اساسی خودمان هم باشد مثل اینکه به همکارم کمک می‌کنم تا علاوه بر حل مشکلش ، **خود من** هم حس خوب بگیرم (رفع نیاز درونی، نیاز به مفید واقع شدن و حس قدرت کمک کردن همراه با آزاد بودن در این انتخاب)

پس اگر در زندگی اجتماعی، عملکردمان (به دور از حاشیه) علاوه بر ارتقا خودمان بتواند کمک به دیگران با کمترین انتظار داشتن‌ها همراه باشد ؛ نه تنها در بعد اگر باز خورد سزاوار نگیریم کمتر می‌رنجیم بلکه به ارتقا و آرامش فکری‌مان هم کمک به سزایی کرده‌ایم .

البته که اگر در این مسیر رنجیدیم هم بگذاریم در وجود جاری شود که عدم

ما هستیم که مسئولیت انتخاب افکار، احساس و نتایج زندگی رو چه خوب چه بد ، چه درست چه غلط ، هرچند سخت باید برعهده بگیریم .

خب برگردیم به تحقیقات گلسر:

وی نگاه بیرونی نسبت به رفتارهایمان (این تفکر که عوامل بیرونی باعث بروز رفتارمان هستند) ، را از آسیب‌های بزرگ به انسان می‌دانست؛ چراکه معتقد بود **رشد مسئولیت پذیری** را از انسان می‌کاهد. به عبارت دیگر فرد چنان تأثیر عوامل بیرونی را مؤثر می‌داند که گاهی نقش خودش را در بروز رفتار و پذیرفتن مسئولیت نادیده می‌گیرد.

و نکته‌ی جالب و به نوعی جمع‌بندی **درباره مؤلفه‌های مسئولیت پذیری** از دیدگاه گلسر در سه مورد می‌توان بیان داشت:

۱. یادگیری انتخاب رفتارهایی که در جهت برآورده کردن نیاز اساسی باشند. (نیازهای اساسی در پنج مورد عشق و تعلق خاطر، آزادی ، قدرت ، زنده ماندن و بقا ، تفریح )  
۲. مانعی بر سر راه نیاز اساسی بقیه نباشد.

۳. پذیرفتن پیامدهای رفتار خود  
تعادل بین این سه مؤلفه می‌تواند راه گشای مؤثری در ابعاد فردی\_اجتماعی به ثمر برساند.

توجه داشته باشیم که این به معنای انتخاب مطلقاً درست مسیرهای زندگی‌مان نیست، بلکه حتی اگر گزینش‌های نادرستی در مسیر زندگی که بر مبنای نیاز اساسی (عشق و تعلق، قدرت ، آزادی و...) است، داشته باشیم ، با پذیرش مسئولیت و پیامدهای ناشی از آن از سردرگمی و تنش‌های درونی که هم به خود وهم به اطراف وارد کرده‌ایم ، می‌توانیم بکاهیم



متفاوتی از تئوری حق دارید داشته باشید و این هم یکی از انواع مثال‌های مختصر بود .

کمربندهای خود را باز کرده و به امید پروازهای فکری بعدی...



جلوگیری از احساسات خودش برای بقای نیازهای اساسی کمک کننده است (در صورتی که مانعی برای دیگران نشود)، اما در این مسیر فرود بیشتر قصد داشتیم به بررسی جوانب پنهان از نظر نیز پردازم؛ چراکه آشنایی با مسئولیت‌های انتخابمان و پذیرش درونی آن می‌تواند مسیر زندگی به اصطلاح پخته‌تری با کمترین درگیری‌های ذهنی دست و پا گیر را به ارمغان آورد.

در زندگی‌هایمان همان قدر که برای بقای جسم در تکاپو هستیم، برای بقای احساساتمان نیز ...

انتظار داشتن از اطراف از همان حس‌های ادامه بقایمان است .

و شاید جای این چند سوال که چه قدر از اطراف انتظار داریم تا خودمان بی‌ربط نباشد ..

اینکه تا چه حدش به جا است؟ و چه مرزی داریم که این انتظار ناشی از خودخواهی‌هایمان نباشد؟ و حتی چه میزان قرار دادن اولویت خودمان در انتظار داشتن به جا است؟! ..

اشخاص با شرایط فکری متفاوت نتیجه و جواب منحصر به خودشان را دارند و جواب این سؤال‌ها قرار نیست همه را در یک گروه یکسان جمع بندی کند.

تأمل در سوالات مطرح شده می‌تواند رابطه‌ی نزدیکی با انتخاب اهداف و مسئولیت‌هایمان دارد.

احتمالا اگر در زندگانی کمتر انتظار داشته باشیم کمتر هم می‌رنجیم!

مسافرهای عزیز فرود فکری خوبی را امیدوارم با ما تجربه کرده باشید، حتما شما هم مسیرهای فکری و برداشت‌های



سالیان سال است با معضل‌هایی همچون «کودک همسری» و «قتل‌های ناموسی» مواجه بوده‌ایم.

معضل‌هایی که کمی سخت است بگوییم در حل آن موفق بوده‌ایم. شاید قتل رومینا اشرفی جرقه‌ای بود برای بهتر درک کردن عمق فاجعه‌ای که نتوانسته‌ایم از آن جلوگیری کنیم؛ حال می‌خواهیم ابعاد این اتفاق تلخ را از نظر حقوقی و روانشناختی بررسی کنیم.



فاطمه سادات میرمعصومی  
دانشجوی کارشناسی حقوق

پاکدل‌نیا تصریح کرد: در حقوق جزا موضوعی که وجود دارد این است که، هر مجرمی که دست به ارتکاب جرمی می‌زند، قبل از اینکه وارد صحنه عملی جرم بشود در ذهن خودش بررسی می‌کند. همان‌گونه که پدر رومینا اشرفی چند ماه



قبل از قتل، در رابطه با مجازات خودش اطلاعات بدست آورده بود و متوجه شده بود قصاص نمی‌شود. همان‌گونه که پدر رومینا در اعترافات خود بیان کرده بود نمی‌توانستم بهمن‌خاوری را به قتل برسانم چون قصاص می‌شدم بنابراین تصمیم گرفتم دختر خودم را به قتل برسانم تا قصاص نشوم.

درواقع در اینجا افراد از خلأهای قانونی برای اهداف شوم خود استفاده می‌کنند. وی اظهار داشت: نباید همه‌ی انتظارات از دستگاه قضا باشد؛ چرا که در قتل رومینا معضلات بسیاری وجود دارد که باید حتما بررسی شود. برای مثال چرا یک دختر نوجوان در این سن به ازدواج فکر می‌کند؟ چرا باید خلأهای عاطفی

## خوناموس

در رابطه با قتل رومینا اشرفی و ابعاد حقوقی آن با آقای سجاد پاکدل‌نیا، باز پرس دادگستری به گفتگو پرداخته‌ایم.

سجاد پاکدل‌نیا گفت: متأسفانه پرونده‌های قتل‌های ناموسی در محاکم قضایی ایران، بسیار زیاد وجود دارد. در خصوص پرونده‌های قتل خانوادگی، اکثراً انگیزه از قتل مسائل ناموسی بیان شده است که ناشی از اعتقادات خشک مذهبی است.

وی در رابطه با انتقادهای نسبت به ماده ۳۰۹ قانون مجازات اسلامی افزود: منشأ این موضوع که حکم به قصاص پدر داده نمی‌شود در واقع

متأسفانه پرونده‌های قتل‌های ناموسی در محاکم قضایی ایران، بسیار زیاد است که ناشی از اعتقادات خشک مذهبی است. تو، هم جان تو و هم اموال تو متعلق

به پدرت است. با توجه به اینکه قصاص یک مجازات فقهی است پس این ماده هم نشأت گرفته از یک قاعده فقهی است. از طرفی قضات باید پایبند به قانون باشند و حتی اگر عرف هم آن قانون را نپذیرد، ما نمی‌توانیم فراتر از قانون برویم.

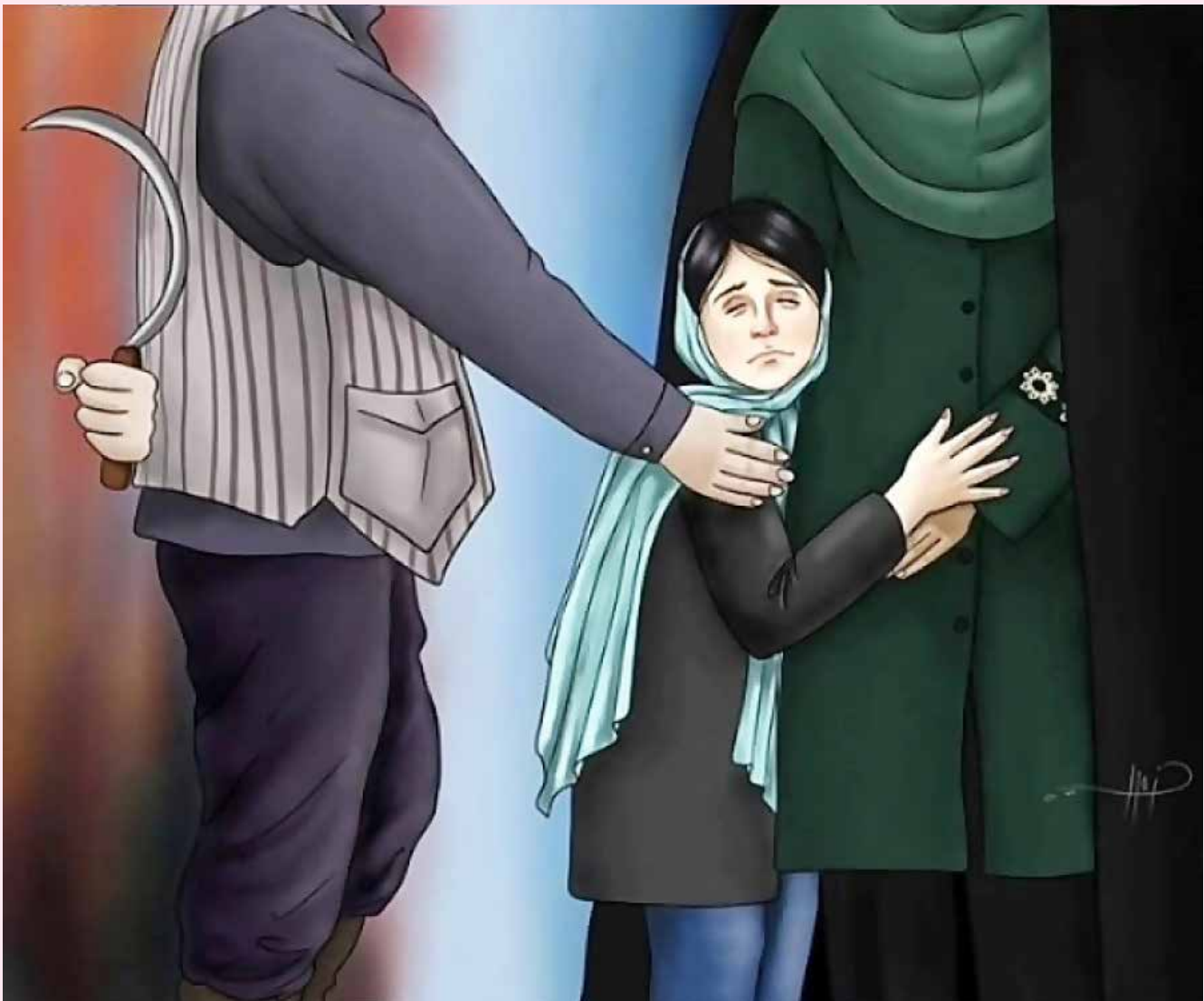
بنظر می‌رسد چون قانونگذار حق دخالت در فقه را ندارد، لیکن می‌تواند از مجازات‌های تکمیلی و تعزیری بیشتری استفاده کند و مسلماً مجازات‌های سنگین می‌تواند تا حدودی از بروز چنین قتل‌های ناموسی جلوگیری کند.



در رابطه با این معضلات متأسفانه سازمان‌های دیگر کار نمی‌کنند و همه‌ی امور به دستگاه قضا واگذار شده است؛ در حالی که دستگاه قضا آخرین مرحله است و می‌توان گفت دستگاه قضا در اینجا تنها است.

وجود داشته باشد که یک دختر به سمت فرد غریبه‌ای برود؟ در واقع همه‌ی این مسائل همانند یک زنجیر به یکدیگر وصل هستند که حلقه‌ی آخر آن دستگاه قضایی است که دیگر کار از کار گذشته و قتل اتفاق افتاده است.

در واقع این تعارضات فرهنگی، آداب و رسومی و گاهی حتی عقلانی برخورد نکردن خانواده‌ها با اینگونه مسائل، باعث بروز، چنین اتفاقات تلخی می‌شود. وی در ادامه تأکید کرد: قتل‌های ناموسی غیر از ترویج خشونت و ازهم‌گسستگی بنیان‌های خانواده‌ها هیچ تأثیری در جامعه ندارد؛ چرا که اگر این قتل‌ها بازدارنده بود اکنون شاهد روند فزونی قتل‌های ناموسی در کشور نبودیم.



که آن‌ها دارند این است که به آن دوران کودکی بروند و آزادی‌های یک کودک را داشته باشند. این افراد در معرض آسیب‌های روانی، اجتماعی، عاطفی و زیستی هستند



و آمار افسردگی و خودکشی در آن‌ها زیاد است. می‌توان گفت کودک همسری می‌تواند یک عامل مثبت در بروز خشونت خانگی هم باشد.

عوامل مختلفی در بروز کودک همسری مثل فقر و محرومیت، تک والد بودن، ناپدري یا نامادری داشتن وجود دارد؛ از طرفی الزامات پدرسالارانه تحت عنوان ناموس پرستی در یک خانواده هم مؤثر می‌باشد.

در رابطه با دخترانی که کودک همسر هستند، چون هنوز کودک هستند و مهارت‌های زندگی را یاد نگرفته‌اند، همواره یک حس ترس و تبعیض به دنبال آن‌ها هست و با توجه به بارداری‌های زودهنگامی که دارند، معمولاً در هنگام زایمان فوت می‌کنند.

بطور کلی اگر بخواهیم از قتل‌های ناموسی و خشونت‌های خانگی جلوگیری کنیم باید از لحاظ فرهنگی این بستر را برای نوجوانان و خانواده‌ها فراهم کنیم.

در ادامه با «خشونت‌های خانگی» و «کودک همسری» با سرکار خانم حدیثه خاکسار، دکتری تخصصی مشاوره به گفتگو پرداخته ایم.

## کودک همسری را ممنوع کنید

خاکسار گفت: قتل رومینا اشرفی یک اتفاق بسیار وحشتناک و شوکه کننده‌ای بود که همه را در بهت فرو برد و باعث جریحه دار شدن احساسات مردم شد؛ اما جای تأمل برانگیز این اتفاق آنجایی است که چطور می‌شود یک پدر از قبل برنامه ریزی بکند و حتی تصمیم بگیرد در یک جامعه‌ی مردسالار فرزند خودش را به قتل برساند؟ گاهی ما مردم جامعه هم باید به اعمال و رفتار و گفتار خودمان برگردیم؛ شاید ماهم به عنوان بخشی از این جامعه، آن موقع دسته‌ی داس را به همراه پدر رومینا گرفته بودیم.

وی در ادامه افزود: کودک همسری یک ازدواج رسمی یا حتی غیررسمی است که در آن فرد قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی وارد پیمان زناشویی می‌شود.

در ایران بخاطر مسائلی مثل عرف، سنت و یا حتی مسائلی مثل شرع و قوانینی که نیاز به اصلاح هم دارند، کودک همسری بسیار زیاد دیده می‌شود.

در خیلی از کشورها کودک همسری وجود داشته، اما با اعمال قوانین جدید، کودک همسری ممنوع شده است مثل کشور عربستان.

از طرفی چون در ایران فرزندان حتی تا دوران جوانی از لحاظ جسمی و مالی و ابعاد دیگر به والدین خود وابستگی دارند، والدین احساس مالکیت بر روی فرزند دارند و این حق را برای خود قائل هستند که هر تصمیمی برای فرزندان خود بگیرند که این مورد می‌تواند در بحث کودک همسری بسیار مؤثر باشد.

خاکسار در ادامه گفت: عمده‌ترین حسرتی



با یکسری از مفاهیم مثل حقوق فرزندی، خشونت خانگی، مدیریت عواطف هیجانی و جنسی آشنا کنند. وی در پایان گفت: در کل عواملی که می‌تواند به بهبود این شرایط کمک کند می‌توان به فرهنگ‌سازی، فعال بودن آموزش در این زمینه، افزایش دسترسی تحصیل دختران، بالابردن آگاهی جامعه از عوارض زود هنگام ازدواج، اصلاح قوانین مبنی بر افزایش سن قانونی ازدواج اشاره کرد.

آموزش‌هایی حول محور مسائل مربوط به بلوغ و رابطه با جنس مخالف داده شود. وی اظهار داشت: یکی دیگر از جاهایی که باید به این فرهنگ‌سازی کمک کند، آموزش و پرورش است؛ بگونه‌ای که کارکنان و کادر آموزشی باید اطلاعات کافی در این زمینه داشته باشند و یا حتی دوره‌هایی دیده باشند تا بتوانند اطلاعات کافی را به دانش آموزان بدهند. از طرفی خانواده‌ها و نوجوانان باید با خدمات مشاوره‌ای آشنا باشند.

برای مثال در رابطه با قتل رومینا، آیا او دسترسی به مدارس باید دانش آموزش‌ها را با یکسری از مفاهیم مثل حقوق فرزندی، خشونت خانگی، مدیریت عواطف هیجانی و جنسی آشنا کنند. دسترسی داشته تا بتواند

کمک بگیرد؟ البته در حال حاضر سازمان بهزیستی این خدمات را بصورت رایگان ارائه می‌دهد اما متأسفانه اطلاع‌رسانی کافی در این زمینه وجود ندارد.

از طرفی دیگر اصلاح یک سری از خلأهای قانونی می‌تواند در این زمینه به ما کمک کند مثل ممنوع کردن کودک همسری و یا وضع قوانین حمایتی برای شخصی که مورد خشونت قرار گرفته است تا بتواند از آن قوانین استفاده کند.

وی تصریح داشت: نکته حائز اهمیت که وجود دارد این است که باید به فرزندان پسر از کودکی آموزش‌هایی دهیم و حتی در شرایط حاضر هم باید برای پدران و مردان بزرگسال آموزش‌هایی در راستای رفتار مناسب با زنان صورت گیرد تا بتوانند عواطف و شرایط دختران را بهتر درک کنند و دیگر کمتر شاهد خشونت‌هایی از این قبیل باشیم.

از طرفی مدارس باید دانش آموزان را





ملیکا قرمزی  
دانشجوی کارشناسی حقوق

## تأثیرات ماهواره غربی بر سبک زندگی اجتماعی

رهایم کن ای نفس! من آمده بودم که با دوست باشم، رفیق راهم، مقصدم، دنیا و آخرتم او باشد. آمده بودم که به کمتر از او راضی نباشم. مرا به گونه ای آفرید که با کسی جز او آرام نگیرم. آمده بودم که دم به دم او را در مقابل خودم بگذارم و لحظه به لحظه نگاهش کنم تا بشوم جانشین او روی زمین. تو حکومت خودم را از خودم هم گرفتی؛ چه برسد به جانشینی دوست روی زمین... رهایم کن! دیگر فریبت را نخواهم خورد. من می خواهم بزرگ باشم و بزرگ بمانم. از کوچک بودن فراری هستم و تو می خواهی مرا در بند کوچک ها کنی. رهایم کن که دیگر جز به او که حاکم آسمان ها و زمین است، راضی نخواهم شد... من به اصل خویش بازگشته ام ... رهایم کن ای نفس!

### مقدمه

خانواده، کوچک ترین و مهم ترین نهاد جامعه بشری است که زیربنایی ترین و اولین نهاد هر اجتماعی را تشکیل می دهد. از آنجا که افراد جامعه در خانواده پرورش می یابند، خانواده بیشترین تأثیر را در جامعه دارد. پس، جامعه ای سالم است که از خانواده های سالم برخوردار باشد. خانواده، کانون اصلی حفظ سنت ها، هنجارها و ارزش های اجتماعی است. انسان در خانواده، فرایند جامعه پذیری را می آموزد. تعاریف فوق، نشان دهنده اهمیت این بنیان کوچک اجتماعی و بیانگر تأثیر آن در تمامی شئون زندگی افراد، به ویژه فرزندان است.

امروزه، با گسترش روزافزون شبکه های اطلاع رسانی، جهان وارد عصر تازه ای به نام «جامعه اطلاعاتی» شده است که شاخصه مهم آن، دسترسی آسان به اطلاعات و اهمیت یافتن زیاد اطلاعات در زندگی روزمره مردم است؛ به گونه ای که موجب

رهایم کن! سنگینم نکن! بند زمینم نکن! من برای پرواز آمده ام؛ نه برای سقوط. درهای باز شده آسمان را مگر نمی بینی، که عمق درّه را نشانم میدهی؟ من می خواهم پرواز کنم. چشمان پاکم را به من برگردان.

این چشم ها را به من نداده اند که هر چه تو خواستی ببینم. این ها برای دیدن مسیر پرواز است که تو آن ها را ربودی و راه سقوط را نشانم دادی. تو می خواهی من روی زمین بمانم؛ اما دوست، منتظر است من به آسمان پر بکشم. تو می خواهی من تاریک باشم او می خواهد آینه شوم؛ آینه ای که فقط او را نشان می دهد.

تو می خواهی اسیر تو باشم. او می خواهد در همه ی عالم امیر باشم. تو مرا در امروزم خلاصه می کنی او مرا برای ابد آفریده است.

تو انسانیت مرا می گیری و خرج حیوانیتم می کنی. او انسانیت مرا آزاد می کند تا خرج آسمانی شدنم بشود.

رهایم کن! من از تاریکی گریزان بودم. اصلاً از تاریکی می ترسیدم. تو چه کردی که من با تاریکی خو گرفتم؟ من از سوی نور آمده بودم و حالا هم می خواهم به دامان نور باز گردم.

رهایم کن! این ها که نشانم می دهی زیبایی نیست. من زیبایی را می شناسم. هر چه به رنگ دوست باشد زیبایی است. این ها که تو نشانم می دهی، زشتی هایی هستند که نام زیبایی را به سرقت برده اند.

رهایم کن که وقت تنگ است. شاید هم وقت به پایان رسیده باشد. من که نمی دانم چه اندازه فرصت دارم؛ اما می دانم که کار، بسیار است و راه طولانی...

من مانده ام با عمری که از کف رفته و باری که روی دوشم سنگینی می کند.



در داخل کشور ایران، فراهم نموده است. ابر اساس آخرین آمار وبگاه‌های مربوط به صنعت ماهواره، امروز حدود ۳۷۰ ماهواره در جهان فعالیت می‌کنند که این تعداد ماهواره، امواج حدود ۱۲۰۰۰ شبکه تلویزیونی را پشتیبانی می‌کنند. از بین این ۳۷۰ ماهواره، امواج حدود ۳۰ تا ۳۵ ماهواره آسمان کشورمان را پوشش می‌دهد. این تعداد ماهواره،

تغییراتی در ساختارهای جامعه، به خصوص خانواده شده است و همه جنبه‌های زندگی را تحت تأثیر قرار داده است. یکی از ابزارهای قدرتمند رسانه‌ای، ماهواره است. کشورهای قدرتمند، به ویژه آمریکا از این ابزار جهت تسریع در روند جهانی‌سازی و ایجاد نظم به اصطلاح نوین جهانی و در واقع آمریکایی‌سازی



حدود ۳۰۰۰ شبکه آسمان ایران را تحت پوشش قرار داده است. این پوشش ماهواره‌ای، در حالی است که تعداد شبکه‌های فارسی زبان ماهواره‌ای نیز با سرعت زیادی در حال رشد است؛ برای مثال، نخستین شبکه فارسی زبان در سال ۱۳۷۵ تأسیس شد؛ در حالی که هم‌اکنون این تعداد به حدود ۴۵ شبکه رسیده است؛ یعنی به طور میانگین، هر سال سه شبکه به شبکه‌های فارسی زبان اضافه می‌شود. با توجه به تأثیرگذاری ماهواره در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، تحقیق حاضر پس از بررسی شیوه‌های تأثیرگذاری ماهواره، به پیامدهای برنامه‌ها و تبلیغات ماهواره بر زنان و خانواده می‌پردازد.

جهان استفاده کرده اند. برنامه ریزان شبکه‌های ماهواره با شناخت از تأثیرات فراوان رسانه‌های دیداری و شنیداری، در جهت از بین بردن فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای جوامع دیگر گام برمی‌دارند و درصدد تسلط فرهنگ آمریکایی که برگرفته از تفکر اومانیستی است، بر دیگر فرهنگ‌ها هستند. تحولات شبکه‌های ماهواره‌ای و ارسال و پخش آنها به سایر نقاط جهان، تمهیدات لازم را برای راه‌اندازی آسان شبکه‌هایی با موضوعات مختلف و متنوع و به زبان‌های متفاوت پدید آورده است؛ چنان که طی دهه گذشته، شاهد رشد شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان با موضوعات متنوع و مختلفی هستیم که موجبات نگرانی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران این عرصه را

## شیوه‌های تأثیر شبکه‌های ماهواره‌ای در

### تغییر هویت خانواده:

#### ۱. هم ذات‌پنداری

یکی از اصول مهم در ساخت سریال‌ها، این است که بیننده با شخصیت‌های موردعلاقه‌اش، همانندسازی یا هم ذات‌پنداری کند. همانندسازی یعنی تمایل به افزایش دادن احساس ارزشمند بودن از طریق متصل کردن خود به یک شخص، گروه و یا سازمانی که مهم محسوب می‌شوند. منظور از همانندسازی در فیلم و سریال، پذیرش و درونی‌سازی رفتار و اعمال شخصیت‌های این شبکه‌ها و سپس، رفتار کردن همانند آن شخصیت‌ها در دنیای واقعی است. در این هم ذات‌پنداری، فرض بر این است که بیننده، موجودی است که صرفاً به رفتارهای هنرپیشه یا قهرمانان پاسخ‌های انفعالی می‌دهد.

#### ۲. الگوگیری

بر طبق روش الگوگیری، وقتی ما رفتار یا عملی را در رسانه‌ها مشاهده می‌کنیم، با توجه به پیامدهایش همان رفتار یا حتی رفتاری شدیدتر را در همان زمینه انجام می‌دهیم. برای این کار، شرایط و لوازمی باید فراهم شود؛ یعنی الگوگیری طی مراحل انجام می‌گیرد. ابتدا باید به رفتار کسی که می‌خواهیم از او الگو بگیریم، توجه کنیم و در مرحله دوم، باید آن رفتار را در ذهن رمزگذاری و در حافظه ذخیره نماییم و سپس، در مراحل بعد انجام بدهیم.

#### پیامدها:

شبکه‌های ماهواره‌ای که طیف وسیعی از برنامه‌ها را برای مخاطبان خود پخش می‌کنند، اهداف خاصی را دنبال می‌نمایند. با توجه به تهاجم فرهنگی که در خصوص کشور ما وجود دارد، پخش برنامه‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای، به‌ویژه شبکه‌های فارسی‌زبان، به دنبال تغییر در هنجارها و ارزش‌های پذیرفته شده در جامعه ما هستند که در ذیل به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

#### ۱. هویت‌پذیری

هویت بخشی به افراد اجتماع، یکی از کارکردهای

اصلی رسانه، به‌خصوص تلویزیون است. تلویزیون که فراگیرترین رسانه در عصر حاضر است، می‌تواند نقش مهمی را در هویت‌بخشی و همچنین هویت‌زدایی ایفا کند. بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که یکی از آسیب‌های ماهواره، به‌عنوان یک رسانه مدرن، هویت‌شکنی است. رسانه‌ها، عامل ترویج ارزش‌ها و ایده‌های نو و فاصله‌گرفتن از ارزش‌های سنتی در جامعه هستند.

شبکه‌های ماهواره‌ای، یکی از ابزارهای قدرتمند در زمینه انتقال ارزش‌های اجتماعی هستند؛ اما با توجه به اینکه ارزش‌ها و هنجارهایی که از طریق این شبکه‌ها ترویج می‌شوند، در جامعه غربی و بر اساس اصول و ارزش‌های فرهنگ غربی است، موجب تضاد فرهنگی و ارزشی در جامعه ما، خاصه در زنان ایرانی شده است و به تدریج باعث می‌شود که افراد هویت فرهنگی خود را از دست داده و به ارزش‌ها و هنجارهای ایرانی - اسلامی واگرا شوند. این حالت، موجب می‌شود تا مردم ارزش‌های فرهنگ غرب را بپذیرند و تضاد فرهنگی دوگانه‌ای در جامعه پدید آید و افراد دچار بحران فرهنگی شوند.

#### ۲. الگودهی به خانواده‌ها

با توجه به تأثیرات فراوان تلویزیون بر مردم، شبکه‌های ماهواره‌ای قادرند با تغییر دادن احساس انسان نسبت به واقعیت، بر افکار و روان مخاطبان خود تأثیر گذارند و نوع دیدگاه و سلیقه‌ها و حتی توقعات مردم را نیز متحول سازند. شبکه‌های ماهواره‌ای، با برنامه‌ریزی هدف‌دار سعی می‌کنند با تأثیرگذاری بر افکار خانواده‌ها و برهم زدن آرامش خانواده‌ها، بسترهای ذهنی و فرهنگی تأمین منافع خود را فراهم نمایند.

زنان و دختران جوان با دیدن فیلم‌ها و سریال‌هایی که از شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان پخش می‌شوند، به واسطه حس هم ذات‌پنداری، به تقلید از نوع پوشش و آرایش هنرپیشگان این سریال‌ها پرداخته، در هرچه شبیه‌تر کردن خود با آنها بکوشند. شبکه‌های ماهواره‌ای، از طریق معرفی الگوهای ذهنی و عملی رفتار، شخصیت‌ها و سبک‌هایی از برنامه‌های خویش را معرفی می‌نمایند و سعی در درونی‌کردن این الگوها در بینندگان خود دارند؛ الگوهایی که با ارزش‌ها و



هنجارهای جامعه ما مطابقتی ندارند. بیشتر سریال‌ها و فیلم‌های پخش شده از شبکه‌های فارسی زبان، همانند فارسی‌وان، حاوی روابط نامتعارف و خارج از چارچوب خانواده است که بیننده به طور ناخودآگاه بعد از مدتی، وادار به همسان سازی زندگی واقعی خویش با شخصیت‌های برگرفته از فیلم‌ها می‌شود؛ مسائلی همچون: خیانت به همسر، افزایش سن ازدواج، بی تفاوتی به حریم خانواده و بی بند وباری فکری و فرهنگی در جامعه، نتایج بارزی از الگوپذیری از الگوهای غلط برنامه‌های ماهواره‌ای است. با توجه به اینکه نخستین پایه‌های تربیتی یک جامعه در خانواده شکل می‌گیرد، وقتی نخستین نهاد تربیتی جامعه دچار تحول شود، تبعات منفی بسیاری را با خود به همراه خواهد داشت. به همین جهت، در روایات به این امر توجه ویژه‌ای شده است؛ چنان که امام علی (ع) فرموده:

«أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى نَبِيِّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَلَا تَطْعَمُوا طَعَامَ أَعْدَائِي وَلَا تَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِي فَتَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي؛

خداوند بزرگ به پیامبری از پیامبرانش وحی نمود که به مؤمنان بگو: لباس دشمنان مرا نپوشید، غذای آنان را نخورید و از راه آنان نروید (آنان را الگوی خود قرار ندهید) که در این صورت، از دشمنان من محسوب می‌شوید؛ همان‌طور که آنان دشمنان من هستند.»

### ۳. جابه‌جایی ارزش‌ها

شبکه‌های ماهواره‌ای، با ترویج ارزش‌های نادرست و ناپهنجاری‌ها به جای هنجارهای صحیح در جامعه، درصدد هستند تا هویت جدیدی را در مخاطبان خود نهادینه سازند تا از این طریق، ارزش‌های غلط و فاسد را جایگزین ارزش‌های اخلاقی کنند؛ چون زبان تصویر، قادر است به راحتی ارزش‌ها و هنجارهایی را در جامعه تضعیف یا تقویت نماید. تلویزیون می‌تواند بر قوانین حاکم در روابط بین انسان‌ها تأثیر گذاشته، آنها را تغییر دهد؛ بلکه می‌تواند نگرش انسان را به خود، دیگران و جهان تغییر دهد. با توجه به تأثیرات تلویزیون، شبکه‌های ماهواره‌ای از این

ظرفیت جهت تغییر در ارزش‌ها و باورهای جامعه استفاده می‌نمایند و سعی در سمت و سو دادن مخاطبان خویش به ارزش‌ها و هنجارهای مورد نظرشان دارند. شبکه‌های ماهواره‌ای با ترویج فرهنگ برهنگی، مصرف‌گرایی، تجمل‌پرستی، ترویج روابط غیراخلاقی و امور دنیوی، می‌کوشند تا خانواده‌ها را از هویت ایرانی و اسلامی دور نمایند. در چنین فضایی، افراد متأثر از شبکه‌های ماهواره‌ای، به نمایاندن جذابیت‌های جنسی خود در جامعه می‌پردازند و افراد برای عقب‌ماندن از ارزش‌های القا شده توسط شبکه‌های ماهواره‌ای، به سوی برهنگی و سبک آرایش و پوشش لباس‌های خاص رفته، این رفتارها را در خود درونی می‌کنند و خویشتن را در معرض نمایش قرار می‌دهند. زمانی که ارزش‌های متفاوتی مغایر با ارزش‌های دینی و اسلامی در جامعه رواج پیدا کند، رفتارهای ناپهنجارانه از سوی مخاطبان پدیدار می‌شود و هنگامی که ارزش‌های حقیقی در خانواده تضعیف شود، پیوندهای عاطفی در میان اعضای خانواده نیز تضعیف می‌گردد.

### ۴. ترویج خیانت

بسیاری از فیلم‌های پخش شده از شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان، مرتبط با مسائل خانواده است که در بلندمدت تأثیر بسیاری در نگرش مخاطبان عادی خود به مباحث اجتماعی خواهد داشت. یکی از انحرافات که امکان دارد در روابط زناشویی به وجود آید، رابطه جنسی خارج از چارچوب خانواده (خیانت زناشویی) است. با تحلیل فیلم‌های پخش شده در این شبکه‌ها درمی‌یابیم که گفتمان غالب در برنامه‌های این شبکه‌ها، خیانت است؛ چراکه در بیشتر فیلم‌های این شبکه‌ها، مثلث روابط دو مرد و یک زن یا دو زن و یک مرد دیده می‌شود. شبکه‌های ماهواره‌ای با ترویج و عادی سازی بی بند وباری، عفاف زدایی و از میان بردن نگاه عقیفانه مرد و زن در خانواده، میان زن و شوهر اختلاف ایجاد کرده و پایبندی و وفاداری آنان را به تعهدات زناشویی سست کرده، بر روابط خانوادگی و ساختار خانواده تأثیر مخرب می‌گذارد و اسباب فروپاشی آن را فراهم می‌سازد؛ در حالی که در



آموزه های اسلامی، وفاداری، تعهد، گذشت و عشق، پایه های اصلی استحکام خانواده را شکل می دهند؛ چنان که قرآن کریم زن و مرد را به مثابه لباس و محافظ یکدیگر معرفی کرده است و می فرماید: ۳ «هَنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لِهِنَّ؛ آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها هستید (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرند).»

از طرفی، توصیه اسلام به خانواده ها این است که تقوای الهی را در همه زمینه ها حفظ نمایند. خداوند متعال در این زمینه می فرماید: ۴ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ ها است، نگاهدارید. بر آن آتش، فرشتگانی گمارده شده اند که خشن و سخت گیرند و هرگز مخالفت فرمان الهی نمی کنند و دقیقاً دستورات او را اجرا می نمایند.»

## ۵. کاهش رضایت زناشویی

در سال های اخیر، شاهد افزایش روزافزون طلاق و به عبارتی نارضایتی زوجین و ازهم پاشیدن خانواده ها هستیم. یکی از عوامل مهم در این امر که بیش از ۵۰ درصد طلاق ها را شامل می شود، عدم رضایت از زندگی زناشویی است. رضایت زناشویی، حالتی است که طی آن، زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و باهم بودن احساس شادمانی و رضایت دارند.

یکی از ابزارهای قدرتمند بر افکار و اندیشه زوجین، رسانه ها، از جمله شبکه های ماهواره ای هستند.

یکی از دسترس ترین وسایل ارتباطی زنان جامعه ما، به خصوص زنان خانه دار، شبکه های ماهواره ای است. این شبکه ها، با پخش فیلم ها و سریال های مختلف و متنوع، درصدد هستند تا ارزش هایی متفاوت با فرهنگ ایرانی و اسلامی را ترویج کنند که حاصل آن، بروز کشمکش و نارضایتی در خانواده و روابط زوجین است که نتیجه اش عدم رضایت از زندگی زناشویی و در مواردی حتی طلاق می باشد.

## ۶. تبلیغ مدهای ناهنجار

انسان ها با مرور زمان نیازمند تنوع و تحول در لباس و دیگر وسایل زندگی خود هستند؛ اما این تنوع طلبی، نباید به افراط گرایی در این زمینه منجر شود که خود، یک آسیب اجتماعی است. امروزه، شاهد گرایش افراطی بخش قابل توجهی از جامعه، به خصوص زنان، به مقوله مد و مدگرایی هستیم. یکی از اهداف مهم دشمنان جوامع اسلامی، تغییر سبک زندگی و ایجاد دغدغه های واهی برای آنان است و برای رسیدن به این منظور، از برنامه های ماهواره ای، اینترنت و فضای مجازی استفاده می کنند.

## شبکه های ماهواره ای، غالباً با سه شیوه

### جوانان و زنان را به سوی مدگرایی

### غربی سوق می دهند:

#### ۱. شیوه اعتقادی: برای افرادی که نسبتاً

مذهبی هستند. شبکه های ماهواره ای با ایجاد شبهه در اعتقادات اصیل اسلامی، سعی می کنند جوانان و زنان جوامع اسلامی را از هویت اصیل اسلامی خالی کنند و آنان را به سوی سطحی نگری در مبانی اعتقادی و دینی سوق دهند.

#### ۲. شیوه فرهنگی و اخلاقی: برای کسانی

که اعتقادات ضعیفی دارند. شبکه های ماهواره ای با ترویج بی بند وباری سعی در ترویج فرد گرایی و منفعت گرایی شخصی دارند و تنها عامل انگیزه و رفتار انسان ها را لذت پرستی و شهوت رانی می دانند.

#### ۳. شیوه سیاسی: که شامل عموم مردم می

شود. سلطه سیاسی بر کشورها، هدف نهایی شبکه های ماهواره ای است و راه نفوذ قدرتمند سلطه سیاسی، سلطه فرهنگی است. این شبکه ها، با ترویج شبهات درباره نظام اسلامی و ناکارآمد جلوه دادن آن، در ایجاد دل سردی میان افراد جامعه تلاش می کنند. در چنین زمانی، وقتی زن یا جوانی از مبانی محکم مربوط به دین اسلام و همچنین نظام حکومت اسلامی برخوردار نباشد، به مسائلی همچون حجاب حساسیت نشان نمی دهد و در برابر نظام اسلامی که محدودیت هایی را برای بی حجابی و بی عفتی قائل است، دشمنی می ورزد.



## ۷. ترویج مصرف گرایی

مصرف، از آغاز پیدایش انسان روی کره زمین در زندگی او وجود داشته است؛ اما شکل امروزی مصرف، با ویژگی‌های خاصش که عنوان مصرف گرایی مدرن به خود گرفته، با گذشته بسیار متفاوت است.

یکی از ریشه‌های مصرف گرایی مدرن را می‌توان انقلاب مصرف‌کنندگان در انگلستان دانست. با پیشرفت‌هایی که در زمینه صنعت و فناوری و ارتقای جایگاه تولید صنعتی و همچنین کالاهای لوکس پدید آمد، به تدریج مردم به سوی کالاهایی این چنین گرایش پیدا کردند و این امر، به رشد مصرف و ایجاد مفهوم مصرف بیش از نیاز اصلی منجر شد.

با ترویج مصرف گرایی طی سال‌های گذشته، به خصوص در برهه‌ای که به سوی رونق اقتصادی گام برداشتیم، کشور ما به تدریج به سوی مصرف بیش از نیاز پیش رفت. برای تغییر در شیوه مصرف، رسانه‌ها، خاصه شبکه‌های ماهواره‌ای، با پخش تبلیغات و فیلم‌های خود، مردم را به طرف مصرف گرایی و کالاهای لوکس سوق می‌دهند. در کشور ما دو جریان برای ترویج مصرف گرایی شکل گرفت:

یکی در داخل به بهانه رونق اقتصادی، و جریان دیگر که از طریق رسانه‌های کشورهای غربی برای ایجاد عدم رضایت در مردم ایجاد شد. این دو جریان، به تغییر در شیوه مصرف و زندگی مردم ایران در طول سه دهه بعد از انقلاب اسلامی ایران شد. شتاب در مصرف گرایی که هر روز بخشی از جامعه ما را دربرمی‌گیرد، تهدیدی جدی برای اقتصاد و از همه مهم‌تر فرهنگ جامعه ماست. با توجه به آنچه بیان شد، از عوامل مهم و زمینه ساز برای غارت منابع کشورهای کمتر توسعه یافته توسط قدرت‌های بزرگ اقتصادی، به خصوص آمریکا، ترویج نیازهای کاذب در بازار و ترویج مصرف گرایی است؛ تا از این طریق، قدرت نفوذ خود را در این کشورها افزایش دهند و در قالب استعمار نوین، کشورها را وابسته و در واقع، برده خود سازند.

## هدف نهایی ماهواره‌ها:

هدف اصلی این ماهواره‌ها از ریشه قطع کردن اصالت ایرانی و از هم پاشیده شدن کانون گرم خانواده‌های ایرانی است همچنین می‌خواهند ترویج سبک زندگی غربی را با ظاهری شرق پسند ادامه دهند.

مشروعیت بخشیدن به روابط نامشروع و شکستن هنجارهای اجتماعی، الگو سازی دختران بی هویت بیان گر رویکرد این شبکه با محوریت زنان برای تحریک حس برتری جویی و حق طلبی آنان انتخاب شده است.

قبح زدایی از گرایش‌های هم جنس گرایی و ترویج آن به عنوان لذت بردن از دنیا به هر شکلی ...

متأسفانه در تیزرها و نماهنگ‌های تبلیغی به ویژه در اکثر سریال‌های این شبکه‌ها شاهد تصویری از ابتذال پوششی و انحطاط اخلاقی اجرا کنندگان و هنر پیشگان زن هستیم.

این شبکه‌ها در برنامه‌های خود با تبلیغ شیوه زندگی غربی، خیانت همسران به یکدیگر را امری موجه جلوه دادند و در دید مخاطب به عادی سازی آن می‌پردازند. تماشای مکرر فیلم‌های حاوی چنین مطالبی پس از گذشت زمان برخی از نگرش‌ها و تفکرات مسموم را در اذهان مخاطبین تثبیت می‌کند و به مرور زمان موجب ایجاد تغییرات محسوس بر افراد و در پی آن موجب آسیب به پیکره‌ی فرهنگ و اعتقادات جامعه اسلامی می‌شود.

از دیدگاه دانشمندان و روان‌شناسان وجود این شبکه‌ها و استفاده نادرست از آنها باعث آسیب‌های فردی و اجتماعی از جمله: سرکوب استعدادها، افت تحصیلی، ایجاد جو و بدبینی و اضطراب، تشویش احساس نگرانی، فقدان شناخت درست و واقع بینانه، محرومیت از ازدواج پاک و ترویج ازدواج سفید، کم رنگ شدن ارزش‌های مکتبی و فرهنگ اصیل ایرانی، انحطاط اخلاقی و خیانت به همسر و... نمونه‌ای از این آسیب‌ها است.

آن‌ها بر این باورند که مهم‌ترین گام در جهت انهدام و انحراف یک جامعه اسلامی و تبلیغ سبک

زندگی غربی و ترویج به عنوان سبک مدرن ، تغییر نگرش و باور جوامع اسلامی است.

## حرف آخر

برخی از مردم درباره ی برنامه های ماهواره ای بسیار ساده اندیشانه قضاوت می کنند ، این افراد به جهت ناآگاهی از اهداف پشت پرده این شبکه ها ، اعتماد ساده لوحانه ای به آن دارند . راه درمان این ریشه ، آگاهی بخشی است ، برخی از تاثیرات مخرب شبکه های ماهواره ای غافل هستند ، عده ای هم علاوه بر این ، از اهداف پشت پرده متولیان این شبکه ها آگاهی نداشته و نمی دانند دست اندرکاران این شبکه ها با چه شیوه هایی به اهداف خود دست پیدا می کنند . + انسان به قدری بزرگ است که معلمی به عظمت خدا دارد . خدای عزیز به قدری این انسان را دوست دارد که بهترین مخلوقاتش ؛ یعنی انبیاء و امامان را برای آموزش او فرستاده است ، این ها یک پیام بزرگ دارد و آن این که ای انسان! تو بزرگی و باید پای درس بزرگان بنشینی...

کارگردان هایی که شما پای محصولات شان می نشینید حتی به قواعدی که در میان حیوانات هم وجود دارد احترام نمی گذارند. این ها با ذهنی که درس آموخته شیطان است ، برنامه هایی ساخته و ما را مشتری این برنامه ها کرده اند. بیایید کمی به بزرگی خودمان فکر کنیم.

من می توانم به قدری بزرگ شوم که جانشین خدا روی زمین باشم ، می توانم به قدری پایین بیایم که از حیوان هم پست تر شوم ... آیا انسانم؟ یکی از چیزهایی که ما امروزه به آن نیاز داریم ، توجه به کرامات انسانی است. کسی که کرامات انسانی خویش را درک کند ، دیگر عمرش را خرج فیلم ها و سریال هایی نمی کند که سازندگان آن از حیوان پست ترند.

این هم آخرین حرف من به شما دوستان عزیز: به چه دل خوش کرده اید؟ به ماهواره هایتان؟ ماه پاره ی من که بیاید ، امواج ماهواره هایتان به زیر پایش هم نخواهد رسید چه رسد به خانه های ما روی زمین... دل به چه بسته اید؟ به سینمای هنر هفتم؟ یار من

به اندازه اسم های جوشن کبیر ، هزار نما دارد... و هنر چهاردهم خدای من است ، اگر رو شود ، برای سینمایتان یک نما هم باقی نخواهد ماند. چشم به انتظار چه نشسته اید؟ سریال های دنباله دارتان؟ سرّ الله سلسله ای است که دنباله اش بقیه الله نام دارد. چشم ها در انتظارش به مغرب طلوعش چشم دوخته اند. بگذارید بیاید ، جمالش را که مردم ببینند ، تمام سریال هایتان روی هم یک بیننده هم نخواهد داشت.

مردم برای چیدن یک نیم نگاه از خال لبش ؛ صف هایی به درازای مشرق تا مغرب خواهند کشید. ماه پاره من!

هزار نمای خدای عزیز! هنر چهاردهم رب العالمین! ای باقی مانده سرّ آل الله! بیا و بازار رجز خوانی ماهواره ها و سینما و سریال های این انسان نماها را با رجز >> «أنا بقية الله» کساد کن!..





امیر محمد ناظم الرعایا  
دانشجوی کارشناسی حقوق

## سال ها است به بیماری بدتر از کرونا مبتلاییم!



نکته اول: حدیثی از امام صادق بیان می‌دارد: مردم معدن‌هایی مثل معدن‌های طلا و نقره‌اند<sup>۱</sup>، از این گفته شاید بتوان چنین برداشت کرد که هر انسانی، مستعد و صاحب ویژگی و خصائل منحصر به فرد است مثل معادن و این خصائل آن قدر عزیز و گرانبها هستند که امام آنها را به طلا و نقره تشبیه کرده است. نکته دوم: انسان موجودی است که نیازمند روابط اجتماعی است و بدون حضور در اجتماع هیچ‌گاه از عهده پاسخگویی به نیازهای متنوع زندگی خویش بر نمی‌آید.

به آیات زیر توجه کنید؛  
«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا...» (حجرات/۱۳)

ای مردم، ما شما را از مرد و زنی (=پدر و مادر مشترکی) آفریدیم و به صورت شعبه‌ها و قبیله‌هایی در آوردیم تا یکدیگر را بشناسید<sup>۲</sup>

«وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا» (فرقان/۵۴)

اوست که از آب، بشری آفرید و آن بشر را به صورت نسب‌ها (رابطه‌های نسبی) و خویشاوندی دامادی (رابطه‌های سببی) قرار داد.

این موضوع از آیات فوق نیز مستفاد می‌گردد که اصولاً اجتماعی بودن و ایجاد روابط اجتماعی با هم‌نوع خود در متن خلقت و آفرینش آدمی پی‌ریزی شده است. به عبارتی انسان را موجودی مدنی بالطبع دانسته‌اند.

با توجه به دو نکته فوق می‌توان بیان داشت که شکل‌گیری

### مقدمه:

اواسط مهرماه بود که انتشار چند فیلم با محتوای گرداندن عده ای سارق خرده پا در فضای مجازی صدای همگان، حتی رئیس قوه قضائیه را درآورد؛ فیلمی که از وجود بیماری کشنده ای در زیر پوستین رنگارنگ جامعه خبر می‌داد؛ بیماری که بشر از ابتدای خلقت در معرض آن بوده و خواهد بود؛ بیماری همه گیره مانند کرونا.

بیماری که پیر و جوان، غنی و فقیر، دین‌دار و بی‌دین نمی‌شناسد و همه ما به دفعات به انواع درجات آن مبتلا شده‌ایم؛ اما هنوز برایمان غریب و ناشناخته است، بیماری به نام

### بداخلاقی!

قریب به چند ماه لابه‌لای کتب مختلف به دنبال عنوان مناسبی برای نوشته ام بودم که با وجود مراقبت‌های بسیار، میزبان مهمان ناخوانده‌ای شدم به نام کرونا؛ بیماری‌ای که کم‌کم بسیاری در تهیه این نوشته و شناخت این بیماری مهلک به من کرد!

فرزند ناخلف خانواده سارس همانند بیماری بداخلاقی بود با یک تفاوت، کرونا هر جایی از بدن که سفره‌ای آماده می‌دید بر سر سفره می‌نشست، حیف و میل می‌کرد و می‌رفت بر عکس بداخلاقی؛ بداخلاقی سالهاست که در اعمال، گفتار و پندار ما کنگر خورده و لنگر انداخته و هر روز ما را مبتلا تر از دیروز می‌کند و ما متوجه آن نمی‌شویم!

از انگیزه‌های مهم بعثت انبیا، احیای موازین و اصول اخلاقی یا به عبارتی تزکیه آدمی از رذائل اخلاقی بوده است بدین سان که پیامبر گرامی اسلام هدف بعثتش را تکمیل و اتمام ارزش‌های اخلاقی در جامعه می‌دانستند پس بی‌شک آنچه آدمی را گراندتر ساخته و او را از رسته جنبندگان به صف آدمیان و از صف آدمیان به اوج جهان فرشتگان پرواز می‌دهد، اخلاق است؛ اخلاق است که علاوه بر آدمی، یک جامعه را در برابر بیماری‌های اخلاقی و اجتماعی مصون می‌دارد؛ اما چگونه جامعه‌ای عاری از بیماری بداخلاقی داشته باشیم؟

### از کجا آغاز کنیم؟

برای آغاز سخن ذکر چند نکته را لازم می‌دانم؛

۱\_ کافی، ج ۸، ص ۱۷۷؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۰؛ بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۶۵ و ۱۰۶؛ ج ۶۴، ص ۱۲۱.  
۲\_ «لِتَعَارَفُوا» در باب تفاعل، دلالت بر مبادلات معرفتی علمی، هنری، فرهنگی، و مناسبات عادلانه اقتصادی و سیاسی می‌کند.

می‌باشد که شخصیت فردی او به آن بستگی دارد؛ حفظ این حیات هم برای خود فرد و هم برای دیگران لازم و اجباری است. بنابراین هیچ فردی تحت هیچ شرایطی حق ندارد حیثیت و آبروی خود یا دیگری را در معرض اتهام، سقوط و مخدوش شدن قرار بدهد. غیبت، تهمت، فحاشی، تجسس در امور شخصی دیگران و نظایر اینها از جمله مواردی است که قرآن آنان را از مصادیق تعدی و تجاوز به حیات معنوی می‌داند. ۳

۲- حیات معنوی مربوط به زندگی ابدی، که عبارت است از حیاتی که موجب سعادت ابدی او باشد و این حیات جز با ایمان و عمل صالح به دست نمی‌آید که صحبت درباره این نوع حیات از بحث ما خارج است.

ب- حقوق اقتصادی:

در ابتدا لازم است تعریف مختصری از حقوق اقتصادی بیان کنم؛ حقوق اقتصادی عبارت است از مجموعه‌ای از حق‌های مربوط به معیشت و زندگی مادی انسان‌ها که طبیعتاً برای دولت و زمامداران تکلیف‌آور است. حقوق اجتماعی یک پیوند ناگسستنی و تنگاتنگی با حقوق اقتصادی و مالی دارد که نقش بسزایی در تأمین آسایش فکری و انگیزه‌ی زندگی در انسان‌ها ایفا می‌کند. وقتی شما از حقوقی مثل حق اشتغال، حق مسکن، حق تأمین اجتماعی، حق مالکیت و... بحث می‌کنید آن‌ها را به عنوان حقوق بنیادین آدمی تلقی می‌کنید، نتیجه منطقی به رسمیت شناختن چنین حق‌هایی از سوی دولت و حکومت است که باعث ایجاد آرامش و اطمینان از یک زندگی مادی و شرافتمندانه برای آدمی می‌شود مثل حق اشتغال و تأمین اجتماعی.

حق اشتغال: هر انسانی بر حسب فطرت و شرع مقدس حق انتخاب شغلی متناسب با مهارت‌ها و استعدادهايش را دارد؛ حکومت موظف است برای انسان‌هایی که در یک جامعه زندگی می‌کنند وسایل و ابزار مناسب برای اشتغال را در اختیارشان قرار دهد در واقع شغل آفرینی وظیفه‌ی دولت و اشتغال و



جامعه (و مقررات اجتماعی) بر مبنای نیاز انسان‌ها به یکدیگر است و دانستیم که هر انسان صاحب خصائل منحصر به فرد و گرانبهاست پس هر استعداد از آن جهت که منحصر به فرد و ثمین است برای صاحب آن ایجاد استحقاق و برای خواهان آن ایجاد تکلیف می‌کند؛ مثلاً شهری را فرض کنید که در آن تنها یک طبیب وجود دارد، مردم آن شهر علاوه بر اینکه نیازمند استعداد وی در علم طب می‌باشند مکلفند در برابر استعداد او چیزی که مستحق وی می‌باشد را تادیه بنمایند و در مقابل طبیب هم موظف است به بهترین شکل به مردم آن شهر خدمت رسانی کند. پس حق و تکلیف زاییده‌ی چرخه نیاز و استعداد (= قدرت رفع نیاز) انسان‌ها است.

یکی دیگر از دلایلی که آدمی را صاحب حقوق می‌کند وجود گوهر انسانیت اوست بدین معنا که آدمی فارق از عمل، گفتار، عقاید و... بنابر حکم انسانیتش صاحب یک سری حقوق بنیادین و خدادادی است و هیچ کس جز خالقش حق دخالت در این مسائل را ندارد.

در ابعاد عظیم‌تر، ملت‌ها علاوه بر اینکه در برابر حکومت‌ها یک سری تکالیف مشخصی دارند، مستحق به داشتن حقوق مشخصی هستند؛ به چند نمونه از این حقوق که مرتبط با موضوع است اشاره می‌کنم:

\* گفتار اول؛ من (مجموعه حقوقی که بیشتر رنگ و بوی فردی دارند.)

الف- حق حیات مادی و معنوی:

انسان در بین موجودات زنده صاحب دو گونه حیات است؛ مادی و معنوی. حیات مادی او از جهاتی شبیه سایر موجودات زنده می‌باشد مثل حق بهره‌مندی از مواد غذایی لازم جهت ادامه بقا و اما حیات معنوی، حیات معنوی آدمی بر دو نوع است:

۱- حیات معنوی مربوط به زندگی دنیا، که عبارت است از شخصیت اجتماعی هر فرد. بدیهی است هر انسانی علاوه بر کرامت ذاتی خود، در اجتماع نیز از نظر آبرو، اعتبار و سایر امور مربوطه دارای موقعیت خاصی





مشغول شدن به کار حق شهروندان و مردم است ، با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون دولت باید برای افراد دارای مهارت و تخصص امکانات مورد نیازشان را تهیه و در اختیار مردم قرار دهد

حق تأمین اجتماعی : اگر از دیدگاه اسلامی به زندگی بشر دقت کنید متوجه خواهیم شد این دیدگاه هم برای زندگی دنیوی و هم برای زندگی اخروی انسان‌ها ، زندگی شرافتمندانه توأم با آسایش ، آرامش و سعادت می خواهد . آنچه اکنون مورد توجه ماست ، زندگی دنیوی انسان‌هاست ؛ زندگی آدمی سراسر فراز و نشیب است و به دلایلی مختلف مثل کهولت سن ، سوانح مختلف ، بیماری و یا حتی بیکاری ، زندگی مادی و معیشت وی در معرض تهدید قرار می‌گیرد و این دولت‌ها هستند که در مواجهه با این رخدادها باید با چاره‌اندیشی‌های به موقع ، حافظ زندگی شرافتمندانه شهروندان باشند.

عهدنامه مالک اشتر نخعی<sup>۴</sup> که فرمان امیرالمومنین به فرماندار و والی مصر است، برگ برنده ایست در تاریخ حکومت علوی که آیین زمامداری و شیوه صحیح برخورد با مردم را شامل می‌شود ، در این عهد نامه نمونه‌های بارزی از الزام رعایت حقوق اجتماعی برای مردمان یک جامعه نظیر اولویت دادن به سالخوردگان و کودکان در بهره‌مندی از خدمات امدادی ، بخشش قسمتی از بیت المال و غلات به اقشار خاص مانند فقرا ، مستمندان و از کار افتادگان و ... به چشم می‌خورد.

\* گفتار دوم ؛ ما ( مجموعه حقوقی که بیشتر رنگ و بوی جمعی دارند )

پ\_ حقوق عمومی مسلمانان نسبت به یکدیگر : در روایتی از پیامبر اسلام نقل شده که فرمودند<sup>۵</sup> : هر مسلمانی بر برادر مسلمانش سی حق دارد، که ذمه اش از این حقوق بری نمی‌شود، مگر به اداء آنها یا عفو صاحب حق.

آن حقوق عبارت اند از:

- ۱- خطاها و لغزش‌های او را ببخشد.
- ۲- در ناراحتی‌ها و گرفتاری‌ها به او مهربانی کند.
- ۳- اسرار شخصی او را مخفی دارد.
- ۴- عیوب و نقائص وی را جبران کند.
- ۵- عذرش را بپذیرد.
- ۶- بدی او را انکار کند و در برابر غیبت کنندگان، در مقام دفاع از وی برآید.
- ۷- همواره او را نصیحت کند و خیر خواه او باشد.
- ۸- دوستی او را حفظ کند.
- ۹- پیمان‌ش را نشکند و به عهد خویش وفا دار بماند.
- ۱۰- در حال بیماری به عیادت او برود.
- ۱۱- در تشییع جنازه او حاضر شود.
- ۱۲- دعوتش را بپذیرد.
- ۱۳- هدیه‌اش را قبول کند.

- ۱۴- عطای او را جزا دهد.
  - ۱۵- در مقابل احسان از او سپاسگزاری کند.
  - ۱۶- برای او یار و مددکار خوبی باشد.
  - ۱۷- ناموس او را چون ناموس خود حفظ کند.
  - ۱۸- نیازمندی‌های او را بر طرف سازد.
  - ۱۹- برای حل مشکلات و انجام خواسته‌هایش، شفاعت و میانجی‌گری کند.
  - ۲۰- عطسه‌اش را تحیت گوید و برایش سلامتی بخواهد.
  - ۲۱- گمشده‌اش را پیدا کند.
  - ۲۲- سلامش را جواب دهد.
  - ۲۳- سخنش را نیکو شمرد.
  - ۲۴- انعام و پاداش او را بخوبی بدهد.
  - ۲۵- سوگندهایش را تصدیق و تأیید کند.
  - ۲۶- او را دوست بدارد و با وی دشمنی نوزد.
  - ۲۷- او را چه ظالم باشد و چه مظلوم، یاری کند. (یاری ظالم آن است که او را از ظلمش باز دارد و یاری مظلوم آن است که او را بر گرفتن حقیقت مساعدت نماید).
  - ۲۸- او را در سختی‌ها و گرفتاری‌ها تنها نگذارد و او را خوار نکند.
  - ۲۹- از نیکی‌ها، آنچه برای خود دوست دارد، برای او هم دوست بدارد.
  - ۳۰- آنچه از بدی‌ها برای خود نمی‌خواهد، برای او هم نخواهد. سپس فرمود: اگر مؤمن یکی از این حقوق را ادا نکند، در قیامت صاحب حق، حق خود را از او مطالبه خواهد کرد.
- ت\_ حقوق متقابل مردم و حکومت صالح :
- از جمله حقوقی که حکومت صالح و والیان و کارگزاران چنین حکومتی بر مردم خویش دارند این است که دائماً مورد خیرخواهی و نصیحت مردم قرار گیرند و آنچه خیر و صلاح است دوستانه به آنها تذکر داده شود؛ و در آنچه خلاف دستور خدا نباشد اطاعت شوند و آحاد ملت با آنها ستیزه جویی و عناد نشان ندهند، که در صورت عناد چه بسا منجر به فساد و هلاکت افراد و خرابی بلاد و نابودی حکومت و سقوط جامعه می‌شود. ولی



MEHRNEWSAGENCY  
Photo: Mahrooz Rahn



هر انسانی حق دارد در زندگی خصوصی خود آزاد و مستقل باشد، و جاسوسی یا نظارت بر کارهای شخصی و خصوصی و نیز مخدوش نمودن حیثیت او جایز نیست؛ و باید در مقابل هر گونه دخالت نامشروع که موجب سلب حقوق وی می‌شود از او حمایت گردد، و اگر ضرری بر مال یا حیثیت او وارد شده جبران شود. داشتن شغل مناسب و مشروع حق هر انسان است، و همه در انتخاب شغل خود آزادند؛ دولت و مسئولان جامعه نیز موظفند زمینه اشتغال کسانی را که قادر به کار هستند فراهم کنند. هر فرد مسلمان نسبت به اصلاح و اداره امور عمومی جامعه اسلامی حق اظهار نظر و دخالت مستقیم یا غیر مستقیم را دارد، و هیچ فردی را نمی‌توان از داشتن این حق محروم کرد. بازداشت یا محدود ساختن آزادی افراد یا تبعید و یا مجازات آنان جایز نیست؛ مگر با اجازه و حکم دادگاه صالحی که مطابق با موازین شرع و قانون تشکیل شده باشد. و بدون آن هیچ ارگان و یا شخصی حق ندارد نسبت به امور ذکر شده اقدام نماید. هر فرد زندانی - محکوم باشد یا متهم - نباید از حقوق اولیه خود محروم شود، و جایز نیست مورد شکنجه روحی و یا بدنی قرار گیرد یا به گونه ای حقارت آمیز و منافی حیثیت انسانی با او رفتار شود؛ و اگر در این شرایط اقرار و اعترافی از او گرفته شود ارزشی ندارد. همچنین نباید از حق ملاقات با خانواده و بستگان و نیز از امکانات علمی و بهداشتی محروم بماند. و در صورت تعدی به یکی از حقوق ذکر شده، شخص زندانی حق دارد به دادگاه صالحی که مورد رضایت طرفین باشد شکایت نماید.<sup>۷</sup>

ث - حقوق قضایی<sup>۸</sup> :  
مراجع صالح به رسیدگی به اختلافها دعاوی هنگام به رسیدگی برای رسیدن به عدالت کیفری و قضایی و احقاق حقوق تضييع شده باید حقوق قضایی شایسته‌ای را برای طرفین دعوی لحاظ نموده و در پرتو رعایت آنها بتوانند جامعه را به صلح، ثبات و آرامش برسانند. حق‌های قابل تصور در فرآیند رسیدگی به دعاوی در دادگاهها در قانون اساسی به شرح ذیل مورد تضمین واقع شده است:

۱ - حق دادخواهی ( اصل ۳۴ قانون اساسی ) : احقاق حق ، لازمه حفظ امنیت جسمی و معنوی انسان است . بدون تعقیب و پیگیری حق‌ها و آزادی‌ها ، امکان بهره مندی شایسته از زندگی وجود ندارد و شخصیت و هویت فرد دستخوش استبداد ، بردگی و ظلم می‌گردد .

۲- حق دادرسی منصفانه : رسیدگی به دعاوی در دادگاهها باید از ضوابط اصولی و هنجارهای عقلی ، منطقی ، انسانی و موازین حقوق بشری و بین المللی تبعیت بنماید ، به گونه‌ای که امکان خودسری و اعمال سلیقه قضات را کاهش و پاسداری از حقوق طرفین دعوی را افزایش دهد . اهم این ضوابط و هنجارها و اصول دادرسی منصفانه به قرار ذیل می‌باشد :

\* اصل برائت ( اصل ۳۷ قانون اساسی )

اطاعت از حکومتها در اموری که معصیت خداست جایز نیست؛ چنانکه در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین بیان شده : ۶  
«لاطاعة لمخلوق فی معصیة الخالق»

«اطاعت مخلوق در معصیت خالق جایز نیست» .

حق مردم این است که کارگزاران حکومت بدانند پذیرش حکومت آنان از سوی مردم باعث قدرت و نفوذ فرمان آنان شده است؛ پس باید با مردم مهربان باشند و از خدمت همه جانبه و حمایت آنان دریغ نورزند، و در جهت تأمین حقوق اجتماعی آنان بردبار و دارای شرح صدر باشند، و همواره در برابر این نعمتی که خداوند به آنها عطا فرموده است شکرگزاری کنند؛ برای آنان چون پدری مهربان بوده و در عقوبت آنان شتاب نکنند، و در برابر نادانی هایی که احيانا از بعضی از آنان سر می‌زند با گذشت باشند. حکومت عقلا و شرعا مکلف است شرایطی را فراهم آورد که هر یک از افراد جامعه بتواند در یک زندگی شرافتمندانه و از طریق کار و تلاش نیازهای خود و خانواده اش را تأمین نماید؛ و مردم نیز در مقابل باید حکومت را در حل مشکلات و گرفتاری‌ها یاری نمایند و در انجام وظایف شرعی و قانونی خود کوتاهی نکنند. هر انسانی حق دارد نسبت به جان، مال، دین و خانواده خود امنیت و آسایش داشته باشد؛ و نیز حق دارد نظرات علمی و اجتماعی خود را به شکلی که با حیثیت و حقوق دیگران مزاحمتی نداشته باشد. آزادانه بیان دارد.

هر انسانی حق دارد که در یک محیط پاک از مفسد و بیماریهای اخلاقی - به گونه ای که در آن بتواند خود و خانواده‌اش را از لحاظ معنوی رشد دهد- زندگی کند؛ و جامعه و دولت نیز موظفند زمینه بهره برداری از این حق را برای همگان فراهم نمایند.



- \* اصل قانونی بودن جرم و مجازات ( اصل ۱۶۹ قانون اساسی )
- \* اصل منع تعقیب ( اصل ۳۲ قانون اساسی )
- \* اصل حق داشتن وکیل ( اصل ۳۵ قانون اساسی )
- \* اصل علنی بودن محاکمه ( اصل ۱۶۵ قانون اساسی )
- \* اصل مستند بودن احکام ( اصل ۱۶۶ قانون اساسی )
- \* اصل حق منع شکنجه ( اصل ۳۸ قانون اساسی )
- \* اصل منع هتک حرمت متهمین ( اصل ۳۹ قانون اساسی )
- \* اصل تساوی عموم در برابر دادگاه ( بند ۱۴ اصل ۳ و اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی )
- \* پس اگر بخواهیم خیلی مختصر بیان کنیم نیاز یا حقوق عمومی جامعه انسانی ( لازمه های جامعه ای با اخلاق ) به سه دسته مهم تقسیم بندی می شوند : **امنیت ، عدالت و فراوانی** ۹

## ما چگونه ما شدیم؟<sup>۱۰</sup>

بارها در میدان‌ها و معابر شاهد نزاع‌های خیابانی بوده‌ایم و یا حتی قربانی آنها!

اگر دلیل بسیاری از آنان را جویا شویم با جواب‌هایی رو به‌رو می‌شویم که تمامی آنها رنگ و بوی مشابه دارند ، تضییع و زیر پا گذاشتن حقوق یکدیگر .

پس شاید بتوان گفت عدم رعایت حقوق یکدیگر سهم بسزایی در پیدایش و سرایت این بیماری مهلک در جامعه و ظهور عوارض در کوچه و خیابان‌ها دارد . چه شد که برای خاموش کردن آتش دزدی کارمان به سارق گردانی رسید ؟

سرقت یکی از عوارض و نشانه های ابتلا به بیماری بد اخلاقی است !

اگر بخواهیم خلاصه‌ای از بخش پیشین که به بیان حقوق و تکالیف مردم در مقابل هم پرداخته بود ، بیان کنیم ؛ می‌توان از عبارت « باید‌های مزرعه انسان سازی و انسان پروری » نام برد . زندگی آدمی را می‌توان به حیات یک درخت تشبیه کرد ، از دانه تا مرگ آن . یک درخت برای اینکه به نهایت کارآمدی‌اش برسد نیاز به تربیت و مراقبت صد در صدی دارد مثل انسان .

پس از زمانی که آدمی را موجودی زنده تلقی می‌کنند باید به تربیت و مراقبتش که بخشی از حقوق اولیه و بنیادین اوست و والدین و خانواده و به مرور جامعه ، معلمان او هستند ، توجه بسیار شود .

علاوه ، برای اینکه از درخت بهترین ثمره‌هایش را دریافت کنیم می‌بایست امکانات لازمه نظیر نور مناسب ، آب و مواد مورد نیاز را در اختیارش قرار دهیم ؛ نمی‌شود از تمامی این نیازها چشم‌پوشی کرد و در هنگام برداشت انتظار بهترین محصول را داشته باشیم مثل انسان .

پس باید هنگامی که آدمی در اجتماع نقش پیدا می‌کند امکانات لازم برای نقش آفرینی و حضور بهینه‌اش که بخشی از حقوقش تلقی می‌گردند ، را فراهم کرد .

سوال اساسی اینجاست چه شد که تخم مرغ دزد کارش به شتر دزدی رسید ؟

علل و عوامل پیدایش آسیب‌های اجتماعی نظیر فعل دزدی را می‌توان به چند دسته عمده تقسیم نمود :

الف \_ انگیزه‌های روانی - عاطفی سرقت :

\* اختلالات عاطفی ( فقر عاطفی ) نظیر انزوا طلبی ، افسردگی در اثر عواملی چون مرگ یا نبود یکی از والدین و تبعیض بین فرزندان

\* تأثیرات روانی ناشی از اوضاع اجتماعی و اقتصادی خانواده

\* مشکلات رفتاری نظیر حسادت ، خود نمایی و ..

\* تجربه‌ها و حوادث تلخ دوران کودکی نظیر وضعیت مغشوش خانواده ، ستیز و اختلاف بین پدر و مادر و رفتار خشونت آمیز والدین

\* اشتباهات تربیتی نظیر محبت زیاد ، تبعیض و ...

ب \_ علل اجتماعی - اقتصادی سرقت :

\* فقر مادی: فقر و محرومیت مادی را شاید بتوان گفت از

مهمترین عوامل به وجود آورنده سرقت است .

\* بیکاری: عامل مهمی در ایجاد فقر است و فقر هم نقش مهمی در سرقت دارد .

\* فقر فرهنگی: نقش اساسی در ایجاد جرم دارد . سارقان اکثراً کم سوادند و در اثر فقدان امکانات رشد فکری برای پیشرفت و ترقی خود از شیوه‌های دیگر فرهنگی بهره می‌برند .

\* شهرنشینی و سکونت در محل‌های جرم خیز ( زیر مجموعه این مورد می‌توان به معاشرت با افراد ناباب نیز اشاره کرد ) .

واژه‌ای که در تمامی موارد به چشم می‌خورد ، واژه فقر است ؛

فقر چه در بعد مادی و چه در بعد معنوی آن یکی از مهمترین عوامل موثر در شکل‌گیری سرقت است . درباره مبارزه اسلام با

فقر ، گمان نمی‌کنم نیازی به توضیح و استدلال باشد . آن همه بدگویی از فقر تا جایی که آن را دیوار به دیوار کفر به شمار می‌آورد و آن همه مقررات مختلف مالی و رهنمودهای اقتصادی در

اسلام \_ از واجب تا مستحب \_ همه و همه برای برانداختن ریشه فقر است در جوامع و خاندان‌ها ؛ فقر از دیدگاه اسلام به حدی

قابل تحمل نیست که رفع نیاز مسکین چه از جانب مردم و چه از جانب حکومت‌های اسلامی ( از بیت المال و نیز افراد جامعه تا حد توان ) امری لازم الرعایه شمرده شده تا جایی که از پیامبر

اکرم نقل شده است : فقر، انسان را در آستانه کفر قرار می‌دهد .<sup>۱۱</sup>



۹- امام صادق: ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ يَحْتَاجُ النَّاسُ طُرُقًا إِلَيْهَا الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخِصْبُ. ، تحف العقول، ص ۳۲۰

۱۰- ( در این قسمت به طور مختصر به زمینه های پیدایش جرمی چون سرقت می پردازیم . )

۱۱- كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا. الكافي، ثقة الإسلام كليني، ج ۲، ص ۳۰۷؛ خصال، شيخ صدوق، ج ۱، ص ۱۲؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۷۰، ص ۲۴۶



به طور خلاصه لازم است ذکر کنم ، اسلام در آسیب شناسی مسئله فقر در ابعاد مختلف چنین بیان می‌دارد که ؛ مصیبت فقر نه تنها در این است که شکم فقیر گرسنه و تن او برهنه می‌ماند، بلکه انسان محروم ممکن است از هر گونه سرمایه حیات ابدی، که ایمان و عمل به احکام گوناگون دین ( حقوق و تکالیف دینی ) است ، محروم بماند، و سرمایه ابدی وی تباہ گردد.

علاوه ، نباید غافل شد که آثار شوم فقر، به افراد و خانوارها منحصر نمی‌ماند، بلکه در سطح جامعه نیز اثر می‌گذارد، زیرا که تأثیرهای ویرانگر و پیامدهای گوناگون پیوسته به آن، از افراد و خانواده‌های مستضعف و محروم می‌گذرد، و جامعه را به گونه های مختلف آسیب زده می‌سازد، چون بخش‌های گوناگون جامعه مانند ظروف مرتبطه است، بنابراین اصل مسلم و محسوس، فقر و استضعاف، یک فاجعه هولناک و یک مصیبت اجتماعی ، انسانی ، دینی و تربیتی بزرگ است، که آثار آن به فقر آفرینان و استضعاف گستران نیز می‌رسد، و آنان را نیز با زیان‌های مادی و معنوی بسیار و گاه خطرهای بزرگ مواجه می‌دارد .

اما فقر چیست و چه عواملی در پیدایش آن موثر است ؟ فقر یا نداری یا تهیدستی یا تنگدستی به معنای وضعیتی است که فرد فاقد میزان معینی دارایی‌های مادی یا پول است<sup>۱۲</sup> که با ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ظاهر می‌شود و با همه جنبه‌های مختلف زندگی افراد در ارتباط است. اصلی‌ترین علت بروز فقر (به‌خصوص فقر مطلق) نظام‌های اجتماعی-سیاسی هستند. در بخش پیشین بیان شد که حکومت‌ها مکلفند علاوه بر محترم شمردن حقوقی مثل حقوق اقتصادی ، امکانات لازم برای داشتن یک زندگی شرافتمندانه را برای مردمان جامعه خویش مهیا کنند . پس یکی از مهم‌ترین علل ابتلا به بیماری بد اخلاقی در جوامع ، عدم شناخت و رعایت حقوق یکدیگر است و از نشانه‌های ابتلا به آن می‌توان به افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی نظیر دزدی و سرقت اشاره کرد .

۱۳

## غرب چگونه غرب شد ؟

از شاخص‌ترین ویژگی کشورهای نظیر سوئیس ، دانمارک و امثالهم می‌توان به کارآمدی نظام حقوقی و اقتصادی آنها اشاره کرد .

یکی از کاربردهای علم حقوق ، نحوه‌ی چگونگی استقرار نظم اجتماعی ( =مبین توقعات اساسی یک زندگی شرافتمندانه اجتماعی ) است . تخلف از نظم اجتماعی در شرایطی خاص که در قوانین مربوطه هر حکومت ، مطابق با اصول خاصی چون سنت ، ایدئولوژی ، آداب و رسوم ، اصول انسانی و.. مقرر می‌شود ، عنوان جرم می‌گیرد و برای آن مجازات یا اقدامات تامینی و تربیتی در نظر گرفته می‌شود . و اما جرم چیست ؟

هر چند تعریف جرم در لغت چندان دشوار نیست اما برای تعریف درست آن در بعد اجتماعی ، نیازمند شناخت ابعاد مختلف بستره‌ی یک جامعه هستیم ؛ که این ابعاد عبارتند از :  
\*شناخت فرد : بشر موجودیست سیال و انعطاف پذیر اماگاهی شکننده و دارای تمامیت جسمی و روانی یا به عبارتی مجموعه‌ای از رگ و گوشت و خون و روانی پیچیده و غریزی بسیار پس اغراق نخواهد بود که شناخت آدمی برای تعریف جرم کار ساده‌ای نیست چرا که می‌بایست جرم را در ترازو های مختلفی چون غریزه ، کالبد ، روان و... سنجید و در آخر تعریف مناسبی برای آن بیان کرد !

\*شناخت جامعه : در قسمت‌های پیشین دانستیم که بشر به لحاظ مختلف به هم نوع خود نیازمند است از همین جهت تحت پوشش کلی‌ای به نام جامعه ، در یک اجتماع معین قرار می‌گیرد.

پس بررسی جامعه و پیوندهای فرد با آن از آن جهت که جامعه چیزی جز مجموعه‌ای ناهمگن از افراد نیست ، برای تعریف مناسبی از جرم خالی از لطف نیست !

\*شناخت قوانین : در یک تعریف ساده و مقدماتی قانون را می‌توان مجموعه مقرراتی که برای ایجاد نظم اجتماعی در جامعه‌ای به کار می‌روند ، تعریف کرد . پس قانون ( مشروط بر اینکه مفید ، عادلانه و درست باشد ) برای حفظ و ایجاد نظم اجتماعی لازم و ضروری است ؛ اما قانون داریم تا قانون ! قانونی کاربردی و مفید است که عصاره فضایل آدمی در دو بعد فردی و جمعی و حافظ حقوق مختلفش باشد تا بتواند نظم اجتماعی را بدون اجبار و فشار در جامعه آدمی حاکم کند ! در بخش‌های پیشین صحبت از حقوقی شد به نام حقوق اقتصادی ، که اجرا و محترم شمردن آن لازمه داشتن زندگی‌ای شرافتمندانه و اصلی‌ترین عامل بازدارنده از پیدایش جرائمی چون سرقت است .

یکی از مهمترین راه‌های محترم شمردن و اجرای مفاد مربوط به حقوق اقتصادی ، فقر زدایی است ، در حدی این مسئله قابل





اهمیت است که پیامبر گرامی اسلام این مسئله را لازمه‌ای برای انجام واجباتی چون نماز و روزه می‌دانند و می‌فرمایند: خداوندا! برای ما در نان برکت قرار ده و بین ما و نان جدایی مینداز. اگر نان نبود، نه روزه می‌گرفتیم، نه نماز می‌خواندیم و نه فریضه‌های پروردگاران را انجام می‌دادیم.<sup>۱۴</sup>

رفع انواع فقر و بینوایی در جامعه جز با اجرای عدالت میسر نخواهد شد. باید کسانی که از بی عدالتی‌های مرئی و نامرئی قضایی و اقتصادی و معیشتی و فرهنگی و ... بهره‌مند می‌شوند سرکوب شده و به اجرای عدالت تن دهند. باید چنانکه امام علی فرموده است: حاکمیت اسلامی، قدرت و ثروت تکاثری و زندگی‌های اشرافی و ثقیله را از میان ببرد و گردن کشان را در جای خود بنشانند و حقوق محرومان را از آنان بگیرد و عامل فقر را که آنانند از ریشه براندازد و به طبقات محروم قوت قلب بدهد تا با کمک حاکمیت، حقوق مختلف و بر باد رفته خویش را باز ستانند.<sup>۱۵</sup>

یکی دیگر از عوامل اصلی پیدایش فقر را سیاست‌های اقتصادی نظام‌های حاکمیتی دانستیم؛ چرا؟ به یک نمونه بسنده می‌کنم؛ تورم! در علوم اقتصادی تعریفی که برای تورم شایع است چنین بیان میدارد که:

تورم دلالت بر وضعیتی دارد که در آن تقاضای پولی برای محصول نسبت به تولید رشد می‌کند، وضعیتی که در نبود کنترلی مؤثر، به صورت افزایش پهای یک واحد از کالای تولید شده آشکار می‌شود. تورم معمولاً با افزایش واقعی یا بالقوه سطح عمومی قیمت‌ها، یا به سخن دیگر، با کاهش قوه خرید واحد پولی همراه است. در بعضی مواقع تورم زمانی به وجود می‌آید که سطح عمومی قیمت‌ها به میزانی که افزایش در بازدهی عوامل و فرایندهای اقتصادی ایجاد می‌کنند، تنزل نیابد. تورم آن‌طور که معمولاً فهمیده می‌شود، رابطه‌ای با افزایش نامعمول قیمت‌ها دارد.<sup>۱۶</sup>

به بیانی دیگر تورم، مالیاتی است که اغنیا به میل خود و به مبلغی که دلشان می‌خواهد تصویب می‌کنند و از جیب فقرا بیرون می‌آورند به عبارتی صاحبان زر و ثروت، دست رنج فقرا را می‌ربایند.<sup>۱۷</sup>

به بیانی ساده‌تر تورم، فرزند ناخلف سیاست‌های غلط اقتصادی یا جشن اغنیا و عزای فقرا است. از دیگر راه‌های محترم شمردن و اجرای مفاد مربوط به حقوق اقتصادی، کار آفرینی و فراهم نمودن امکانات لازم برای بقای مشاغل نو پا، انجام تدابیر لازم برای کمک به معیشت افراد خاص مانند سالخورده‌گان، از کار افتادگان، افرادی که به هر دلیل قادر به انجام کار نیستند و ... توسط مراجع ذی صلاح و حکومتی است. شاید عبارت صحیحی نباشد اما گفتن آن خالی از لطف نیست، در جامعه‌ای که آدمی غرق در فقر است و هیچ راهی برای نجاتش جود ندارد به نظر شما کدام راه

برایش شرافتمندانه است، دزدی یا تن فروشی؟ این گفته به دنبال توجیه امر خطایی چون دزدی نیست اما چاره چیست وقتی بستره‌ی جامعه ناخودآگاه شما را به این سمت هدایت می‌کند؟

آیا کسی که به هر دری زده به در بسته خورده، هر شب با دغدغه‌هایی چون: گرسنگی، ناتوانی در تهیه لازمه‌های اولیه زندگی، ناتوانی در پرداخت هزینه‌های درمان و ... عزیزانش سر به بالین می‌گذارد، در کنار کوخش، کاخ‌های سر به فلک کشیده را می‌بیند با خود نمی‌گوید مرگ یک بار شیون یک بار! با خود نمی‌گوید چرا آنها بدزدند ولی من نه! آن موقع اگر هر روز هفته روحانی محل برایش از تقوا بگوید در کتتش می‌رود؟

با توجه به این مطالب شاید بتوان **جای مجرم و مصلح را عوض کرد؟**

مقصود از این گفته را دو بخش خدمتتان عرض می‌کنم: \* گرداندن چند سارق خرده ریز در شهر تنها نتیجه‌ای که ندارد عبرت آموزی، امن کردن فضای جامعه، تحقیر برهم زندگان امنیت<sup>۱۸</sup>، نشانه‌ی اقتدار نیروهای انتظامی و کارآمدی سیستم قضایی است بلکه نهایتاً این اقدامات از لحاظ جرم‌شناسی هیچ تأثیری بر پیشگیری از ارتکاب جرم از سوی این افراد نخواهد داشت و بیشتر باعث شهرت مجرمین شده و من بعد، ایشان چیزی برای از دست دادن نخواهند داشت و شهروندان عادی می‌بایست هزینه این کارناوال قدرت نمایی و خشونت را بدهند. \* اگر ما بنایی جلوگیری از این جرائم را داریم، باید تغییری در ساختارهای جامعه ایجاد و پروژه‌ها را باز تعریف کنیم. یعنی قبل از اینکه هر اقدامی صورت گیرد باید تأثیرات اجتماعی و فرهنگی آن برآورد شده و چنانکه پیامدهای منفی برای تولید جرائمی چون سرقت و ناامنی را داشت، باید از ریشه دواندن آن در ساختارهای اجتماعی جلوگیری کنیم.

پس همانگونه که تاکنون تنها داروی بیماری کرونا اصلاح سبک زندگی یا به عبارتی پیشگیری است، برای در امان ماندن از نشانه‌های بیماری بداخلاقی در جامعه باید در ساختارهای جامعه با بهره‌مندی از قدرت حاکمیت اصلاح ایجاد کنیم.



۱۴-الکافی، جلد ۵، صفحه ۷۳

۱۵-جامعه سازی قرآنی، محمدرضا حکیمی، محور سی و چهارم، فقر زدایی

۱۶- فرهنگ علوم اجتماعی- نوشته گولد و کولب - ترجمه محمد جواد زاهدی-نشر مازیار- چاپ دوم ۱۳۸۴- ص ۲۷۸-۲۷۹

۱۷-أغنیائوهم یشرفون زاد الفقراء، امام حسن عسکری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، جلد ۱۱، صفحه ۳۸۰

۱۸- میشن فوکو در کتاب «مراقبت و تنبیه»، با گزارش مجازات در ملامع که تا قرن هجدهم در انگلیس و فرانسه و دیگر کشور های اروپایی رواج داشت نشان می دهد که چگونه اعمال نظری اوباش گردانی باعث برانگیختن حس همدردی مردم با مجرمین شده و در واقع مجرم و خاطی را مظلوم جلوه داده، دقیقاً نتیجه ی برعکس خواست مجربان اینگونه اعمال!

## چه باید کرد؟<sup>۱۹</sup>

« روایتی از پیغمبر اکرم(ص) است که می‌فرماید: اگر راهی یافتید که مجرم را کیفر نکنید، مقدم است. اسلام به دنبال کیفر کردن نیست و وقتی کیفر می‌کند که می‌خواهد آن فرد را تربیت کند و گرنه اساس در اسلام، عفو و گذشت است.»

اعمالی که انسان انجام می‌دهد اگر مخالف اخلاق، وجدان، عدالت و قانون باشد، پاداش آن با سرزنش، نکوهش، تنبیه، تادیب و مجازات همراه خواهد بود. به عبارتی می‌توان مجازات را این‌گونه تعریف کرد؛ پاداشی نکوهش‌کننده، رنج‌آور و ترساننده که در مقابل افعال یا ترک افعالی ایجاد شده تا مرتکب یا مرتکبان آن عمل را تنبیه<sup>۲۰</sup>، تربیت و اصلاح کنند.

بشر در قدیم و بی‌تردید از همان زمانی که با اعمالی مواجه شد که عکس‌العملی را به دلایل مختلف در مقابل آنها طلب می‌کرد مانند اعمال ضد دین، مخالف حکومت، فرمانروا، پادشاه و نیز افعال خلاف مقررات خانواده؛ بدین واکنش‌ها، گاه خفیف و گاه شدید و به انحای مختلف پاسخ می‌داد؛ که اجرای این پاسخ‌ها موجب می‌شد تا فرد نتواند در جامعه باقی بماند. گاه نیز پاسخ به این اعمال پایش را فراتر می‌گذاشت و به مجازات‌های سخت بدنی و مالی می‌انجامید. اما با گذشت زمان با تشخیص جرائم در بعد اجتماعی، مجازات‌ها شکل ثابت و قانونی به خود گرفت و متناسب با جرم تعیین گشت.

ژان ژاک روسو فیلسوف فرانسوی زبان در این باره می‌گوید: انسان موجودیست ذاتاً آزاد از قید و بندهای اجتماعی زیرا آزاد به دنیا می‌آید اما به ناچار از آن جهت که در اجتماع زندگی می‌کنند اختیارات خود را به جامعه طبق پیمانی تفویض می‌نماید که از آن جمله حق مجازات است و لذا اگر جرمی علیه فردی تحقق یابد، جامعه است که مجازات می‌کند و نه فرد؛ ولی جامعه نباید فرد را با کثرت مجازات و شدت آن بترساند، زیرا اینها نشانه ضعف حکومت است چون هیچکس آنقدر شرور نیست که نتوان او را برای کار خیری آماده ساخت و لذا باید مجازات چنان باشد که فایده‌ای عاید اجتماع گردد. دیدگاه روسو، دیدگاه‌یست قرآنی!

به دو دلیل:

الف) اشاره به طهارت ذاتی انسان؛ خداوند در آیه ۳۰ سوره روم و آیات ۸۷ و ۸۸ سوره شمس صحنه بر عبارت «هیچکس آنقدر شرور نیست» می‌گذارد. خداوند متعال بیان می‌دارد:

\* همان فطرت خداست که مردم را براساس آن سرشته است، آفرینش خدا نیز دستخوش دگرگونی نخواهد شد. (روم/۳۰)  
\* قسم به نفس آدمی و آن که آن را منظم ساخته، سپس گناهان و تقوا را با او الهام کرده است. (شمس/۸۷)

از این دو آیه چنین برداشت می‌شود ذات انسان، ذاتیست که از ذات پاک الهی نشئت گرفته شده و تنها اعمال آدمیست که می‌توان آنان را فی‌نفسه شرور یا سلیم دانست و نه ذاتش را.

ب) وجود رابطه میان مجازات و بازگشت، روسو، شباهت بسیاری به وجود رابطه مجازات و رحمت الهی (هدایت) از منظر آیه ۸ سوره اسراء دارد؛ خداوند متعال بیان می‌دارد: امید است (اگر متناسب شدید) پروردگارتان بر شما رحمت آورد و اگر (بار دیگر به فساد و گردن‌کشی) باز گردید (ما نیز به رویه کیفر) باز می‌گردیم...

در این آیه خداوند یکی از راه‌های بهره‌مندی از رحمتش را (برای عده‌ای)، متناسب شدن بر اثر کیفر (به معنای صحیح آن) می‌داند.

اما رحمت الهی به چه معناست؟

رحمت از صفات خداوند بوده و در مقابل غضب می‌باشد. رحمت در انسان به معنای دل‌نازک بودن و درخداوند به معنای مختلفی چون هدایت، عفو و بخشش، احسان، روزی دادن و... است؛ علاوه بر این در کلام شیعی، رحمت الهی به معنای افاضه خیر بر نیازمندان و فرودستان و دستگیری از آنان است.

باید توجه داشت که رحمت الهی همیشه با حکمت آمیخته است و حکمت ایجاب می‌کند که خداوند گنهکاران را به مجازات (به معنای صحیح آن) برساند چراکه هدف این مجازات نوعی هدایت و به بیانی دیگر بازگشت به صراط‌المستقیم است.

### اهداف و ویژگی مجازاتی درست!

اصلی‌ترین هدف مجازات عبارت است از تنبیه خاطی در کنار اصلاح وی و تربیت جامعه؛

باید توجه داشت که هدف زاییده‌ی ویژگی است، پس برای رسیدن به نتیجه‌ای مطلوب باید ویژگی‌هایی متناسب با آن را برگزینیم.

ویژگی مجازات‌ها بسته به جوامع مختلف و دیدگاه‌های گوناگون، دارای شدت و خفت متغیری است، اما در کل جوامع بشری نوعی هماهنگی پنهان در این خصائل دیده می‌شود که منطقی نیز هست، زیرا بشر در هر حال و هر زمان و هر مکان نیازهای طبیعی و غریزی دارد که میان همه انسان‌ها مشترک است، یکی از بنیادی‌ترین آنان وجود امنیت شخصی و اجتماعی است که این امنیت، لازمه‌ی حصول به آرزوها و نیازهای فراوان آدمیست.

یکی از اصول اساسی انتخاب مجازات صحیح، اصل شخصی بودن و عدالت محوری آن است؛ به گونه‌ای که مجازات باید به شیوه‌ای انتخاب شود که خلاءهای روحی-روانی و جسمی او را جبران و درمان کند و نه انگیزه‌ای باشد برای انتقام! حضرت امیر خطاب به زیاد ابن ابیه می‌فرماید: عدالت پیشه کن و از زور و ظلم بپرهیز، که زورگویی منجر به فرار، مهاجرت، ظلم و مبارزه مسلحانه می‌شود.

اگر از نظر عالمان و مراجع صالح، مجرم‌گردانی صحیح، عادلانه و مبین عدالت قضایی علوی است، همان‌طور که برای عده‌ای خرده ریز حکم تشهیر و گرداندن در معابر شهر می‌دهند باید برای دانه درشت‌ها نیز چنین حکم کنند!

۱۹- (در این نوشته به طور اختصار به راه‌های اصلاح مرتکبین جرائمی چون سرقت و ایرادات وارد بر قانون مجازات اسلامی می‌پردازیم.)

۲۰- تنبیه مصدر باب تفعیل از ریشه (ن-ب-ه) است. این واژه که ابتدا به معنای بیدار کردن به کار میرفته به مرور زمان و پس از ورود به زبان فارسی افزاین بر کاربرد در معنای بیدار کردن، معنای هوشیار کردن و آگاه کردن پس از غفلت را نیز به خود گرفته است.

۲۱- صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۵۵۹



همه افراد در مقابل دادگاه‌های صالح و شرعی حق مساوات دارند و مراکز صالح به رسیدگی نباید بین افراد قوی و ضعیف، مخالف و موافق، فقیر و غنی، نیک و بد، آقا زاده ها، صاحبان ژن خوب و .. تفاوتی قائل شوند.

نقل شده است که زنی از بنی مخزوم که نزد قریش شانی داشت، سرقت کرد؛ قریش اسامه را نزد پیامبر فرستادند تا او را شفاعت کند، پیامبر فرمود: سوگند به خدا اگر فاطمه دخترم نیز سرقت کرده بود - نعوذ بالله - دستش را قطع می‌کردم.<sup>۲۲</sup>

حضرت امیر در زمان خلافت و حکومت خود هنگامی که نزد خلیفه دوم شکایتی از آن حضرت شد و خلیفه، قاضی دادگاه، برای احترام به حضرت ایشان را «ابا الحسن» خطاب کرد، حضرت ضمن اعتراض به او فرمود: این برخلاف عدالت قضایی اسلام است که مرا با کنیه<sup>۲۳</sup> خطاب کردی.<sup>۲۴</sup>

در کتب مختص به حقوق جزایی و کیفری ویژگی‌های بسیاری را برای مجازات بیان کرده‌اند مثلا دکتر نوربها از مواردی چون وجود هراس در مجرم، آزاردهی و آسیب‌رسانی، تحقیرآمیز بودن و جبران ضرر و زیان ناشی از جرم را در کتاب زمینه حقوق جزای عمومی بیان کرده است اما بسیاری از این داده‌ها در دستگاه معادلاتی جامعه نه تنها پاسخگوی نیاز جامعه نبوده بلکه مجهولات بسیاری را پدید آورده است؛ فاجعه‌ای که پانزدهم مهرماه امسال رخ داد گویای این مسئله و نیاز به ایجاد رفورم در نظام حقوق جزائی کشور داشت. به عنوان دانشجوی ناچیز و نوپا خود را در مقامی نمی‌بینم که ایرادی بر متخصصین و دکترین وارد کنم و تنها پیشنهاد می‌کنم شاید بهتر باشد قانونگذاران مواردی چون

الف) بازدارندگی

ب) عبرت آموزی

پ) انسان سازی

را در انتخاب ویژگی مجازات لحاظ کنند.

پس اگر جامعه‌ای به بیماری بداخلاقی دچار شد موظف است همان‌طور که شخص مبتلا به کرونا علاوه بر مراجعه به پزشک و رعایت نکات بهداشتی، از عوامل تشدید بیماری دوری می‌کند؛ می‌بایست با کمک افرادی نظیر جامعه شناسان، قانونگذاران و ... علاوه بر احیا و کمک به شناخت حقوق و تکالیف شهروندان و حکومت؛ امکانات لازم برای اجرا، رفع موانع و جبران عقب ماندگی‌ها را مهیا سازد.

## تکیه بر مذهب<sup>۲۵</sup>

«حتی آن کسی را که الان محکوم به قتل شده است و دارند می‌برندش در جایی که او را بکشند، هیچ‌کس حق ندارد حتی یک کلمه درشت به او بگوید؛ اجرای حکم خداست. اگر کسی یک سیلی به او زد، او حق دارد در همان‌جا، یک سیلی برگرداند و باید هم دیگران کمک کنند تا او قصاص بکند. اگر یک درشتی کرد، آن کسی که درشتی کرده است تعزیر لازم دارد، باید

قوة قضاییه تعزیر کند او را (صحیفه آیت الله خمینی، ج ۱۹، ص ۳۲۶-۳۲۷).»

آزار روحی و جسمی خاطی نه تنها از منظر موازین حقوقی و حقوق بشری پذیرفته نیست بلکه گناهی نابخشودنی در اسلام به شمار می‌آید.

\* ضرب و شتم:

عقل آدمی حکم می‌کند که، زدن هر انسانی با هر دین و عنوانی، حرمت دارد چون انسان‌ها همگی به دلیل آیه وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ<sup>۲۶</sup> کرامت و حرمت دارند. انسان حق حیات مادی و معنوی دارد و به حکم عقل، عمل ضرب شتم دیگران قبیح است و از باب «کلما حکم به العقل حکم به الشرع»، از لحاظ شرعی زدن دیگران حرمت دارد. این حکم عقل مخصوص دین و آئینی خاصی نیست و هر انسانی با هر دینی که باشد ضرب دیگران را عملی بد و مذموم می‌داند. اما درباره حکم شرع، روایات بسیاری در قبح آن وارد شده است؛ از حضرت علی نقل شده است: کسی که مردی را از روی ظلم بزند خداوند تازیانه ای از آتش به او خواهد زد.<sup>۲۷</sup>

\* سب:

سب در فرهنگ فارسی معین به معنای دشنام دادن، لعن و نفرین است و در فرهنگ علوم دینی، الشتم الوجیع به معنای آن که به مغز استخوان می‌رود و دردناک است، معنا شده است. باید توجه داشت مرجع تشخیص سب و اهانت، عرف است. در مکاسب شیخ انصاری آمده است که سب حرام است و علی المومن اشد الحرمة (مرحوم کاشف الغطاء عقیده دارد اشرار مومن هم سب شأن جایز نیست).

سب مومن (نه مسلم) فی الجمله حرام است. دلیل به کاربردن عبارت «فی الجمله» این است که اگر در جایی سب کردن ضرورت پیدا کند مثلا جایی که جان فرد در خطر باشد و با یک فحش نجات پیدا کند.

اینکه در روایت بر مومن تأکید دارد شاید برای تحریک احساسات باشد که بگوید این فرد مومن است و اقتضای مومن

۲۲- مسلم، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۳۱۵

۲۳- در میان اعراب کسی را با کنیه خطاب کردن نشانه احترام گذاشتن بر اوست.

۲۴- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۷، ص ۶۵

۲۵- (در این بخش مختصرا به مسئله ضرب و شتم خاطی، توهین، تحقیر و بدگویی به وی میپردازیم.)

۲۶- سوره اسراء، آیه ۷۰

۲۷- مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۲۱۶، ۳؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۵۴۱، ح ۱۹۲۷

بودن این است که، می‌دانیم برخی تهمت‌ها به آن نمی‌چسبند. علت دیگری که می‌توان برای به کار بردن این لفظ توسط شیخ انصاری دانست این است که چون مومن یک فرد اخلاقی است و از نظر جامعه شناختی مفهوم «انتظار نقشی» دقیقاً تابع پایگاه و موقعیت اجتماعی فرد است از همین جهت آنچه از مومن در جامعه‌ای خاص و آمیخته با مذهب انتظار می‌رود از غیر مومن نمی‌رود. به نحو عرفی و ارتکازی<sup>۲۸</sup> این سخن که سب افراد با شخصیت و مومن بدتر از افراد سبک و ناهنجار است صحیح است، یعنی در جامعه هر فرد عادی با هر عقیده و گرایشی سب کردن افراد اخلاقی و محترم را قبیح‌تر می‌داند و وجدان عمومی جریحه‌دارتر می‌شود. باید پذیرفت که در جوامع کنونی ایمان یک ارزش است اما نزد خدا و در پاداش قیامت لحاظ می‌شود نه برای اعمال ارزش در حقوق اجتماعی و زندگی انسان‌ها؛ زیرا اگر ملاک ایمان را در رعایت حقوق اجتماعی دخالت دهیم بی‌درنگ مسئله‌هایی به نام مرجع تشخیص مومن بودن و غیر مومن بودن پیش می‌آید در حالی که یگانه مرجع در این امور خداوند است و چون انسان‌ها مأمورند حکم به ظاهر کنند، از ظواهر امور نمی‌توانند مومن بودن یا نبودن افراد را تشخیص بدهند، چنانکه مرحوم آیت الله خمینی در مبحث امر به معروف و نهی از منکر می‌گوید: ممکن است فردی را که به خاطر ارتکاب فسقی آشکار نهی از منکر می‌کنید نزد خداوند مقرب‌تر از شما باشد.<sup>۲۹</sup>

مسئله دیگری که پیش می‌آید تفاوت درجات ایمان است و افراد در مراتب و درجات مختلفی قرار دارند و اگر قرار باشد این ملاک در ترسیم حقوق دخالت کند علاوه بر تبعیض نوعی اغتشاش در رعایت حقوق انسان‌ها پدید می‌آید.

به آیات زیر توجه کنید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (حجرات / ۱۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگز نباید گروهی، گروهی دیگر را مسخره کنند، چه بسا [گروه مورد تمسخر] بر آنان برتری داشته باشد، و نه هیچ زنی زنی دیگر را (به تمسخر گیرد)، چه بسا بر آنان برتری داشته باشد. و از یکدیگر عیب‌جویی مکنید و با القاب زشت یکدیگر را نخوانید (=برچسب روی کسی ننزید). چه زشت است صفت زیر پا نهادن معیارهای اخلاقی پس از (ورود به حوزه) ایمان، و کسانی که (از چنین شیوه‌های مغایر ایمان) بنگردند، هم اینان ستمگر (واقعی) اند.

\* وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ (حج / ۳۰)

و گفتاری بی‌پایه [در انتساب نقشی برای آنها] کناره‌گیری کنید.

\* وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا (اسراء / ۵۳)

به بندگانم بگو به بهترین شیوه سخن بگویند (و گرنه) شیطان (با تحریک تعصب و دشمنی) میان آنها آشوب به پا می‌کند (=موجب درگیری و تنازع می‌گردد). به راستی شیطان همواره دشمن

آشکاری برای انسان است.

در آیات فوق قید مومن و مسلمان نیز به کار نرفته و آنچه موضوعیت دارد خود سب کردن و حرمت انسان است و نه عقیده و ایمان وی.

\* ضربه زدن به حیثیت و آبروی مومن:

از امام صادق روایت شده که فرمودند<sup>۳۰</sup>: کسی که علیه فرد مومن چیزی را نقل کند و هدف او این باشد که به واسطه آن خبر او را تضعیف نموده و آبرویش را بریزد و در نزد مردم بی‌اعتبار ساخته و از چشم مردم بیندازد، خدا چنین کسی را از ولایت خود خارج ساخته و به سوی ولایت شیطان رهسپار می‌سازد و شیطان هم او را تحت ولایت خود نمی‌پذیرد.

پس بنا بر آنچه که قرآن می‌گوید: وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ، انسان به ما هو انسان صاحب شرافت و کرامتی خدادادی است (حقوق بنیادین و خدادادی) ولو اینکه خاطی و مجرم باشد، چون آدمی ذاتاً نزد پروردگارش احترام دارد و فحش و اهانت نسبت به هر کس که باشد جایز نیست و شرعاً مذموم است.



ستاره گودرزی  
دانشجوی کارشناسی حقوق



## تلاطم رهایی

گاهی باید رها کرد...

کشید آن دندان عقلی را که می دانی  
روزی با ریشه های کج رویش ، دردش تا  
مغز استخوان سمج وارانہ آزارت می دهد.

هر تلاشی، هر تحمل و اصرار کردنی  
نشان از یک صبر سودمند و از غوره حلوا  
ساختن نیست ! بلکه شاید موکول کردن  
یک ریشه و پایه ی اشتباه به فردا و تا  
ثریا کج رفتن باشد...

گاهی باید رها کرد...

حتی اگر در ساختن مسیر یا بهبود  
بخشیدن ارتباطی وقت و انرژی را هزینه  
کرده باشیم.

که بخشی از هنر زندگی همین به موقع رها  
کردن ها و آزادگی از بیهوده تلاش کردن  
هاست.

گاهی باید ترمز انکارهایمان در زندگی  
را بکشیم ، با واقعیت ها روبه رو شویم نه

آنچه که حباب مثبت توخالی زاده ی ذهن  
هایمان است. می دانی چه می گویم؟ گام  
در مسیر حقیقت های وجودی نه آنچه که  
ذهنمان دوست دارد ببیند!

هر پیشرفتی در پس یک رها کردن است و  
هر رها کردنی، ایجاد یک مسئولیت.

رها کردن می تواند عمیقا دردناک باشد ،  
انتخاب آنکه کدامین را رها کنیم دردناکتر

کلام آخر را بگویم و بس :  
برای خوب زیستن نیازی نیست زندگی را  
با مثبت های کذب زندگی کنیم.

همین که واقعیت هارا با یک آگاهی با  
کیفیت زندگی کنیم عمیق ترین زیستن  
را ثمر دارد.



تولد ۳۴۶ نوزاد توسط مادران

زیر ۱۵ سال در بهار ۹۹



۲۰ درصد قتل های ایران

قتل های ناموسی است



لایحه (( حذف تبصره مربوط به

ازدواج دختران زیر ۱۳ سال))

پس از گذشت دو سال همچنان

در انتظار رسیدن به صحن مجلس است

در بهار ۹۹، بالغ بر ۷۰۰۰ ازدواج

دختر بچه ۱۰ تا ۱۴ ساله و یک ازدواج

دختر بچه کمتر از ۱۰ سال به ثبت رسیده است



## معرفی کتاب

کتاب انسان در جست‌وجوی معنی (Man's Search for Ultimate Meaning) در سال ۱۹۴۶ برای اولین بار منتشر شد. این کتاب یکی از بهترین نمونه‌های ادبی در ادبیات روانشناسانه است و روایت زندگی و نجات یافتن دکتر ویکتور فرانکل در اردوگاه کار اجباری رژیم نازی را شرح می‌دهد. فرانکل در این کتاب ابتدا خاطراتش از آشویتس را بازگو می‌کند و سپس تلاش‌ها و راهکارهایش برای زنده ماندن را توضیح می‌دهد.

ویکتور فرانکل در مدت زمانی که در نیروگاه آشویتس زندانی بود، پدر، مادر، همسر و برادرش را از دست داد بنابراین به گفته خودش «درد از دست دادن» را می‌فهمد. او در کتاب انسان در جست‌وجوی معنی سعی می‌کند تا با بیان دردهایش به خواننده بفهماند که چطور می‌توان زیر بار این حجم از رنج زنده ماند.

